مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند. محققا آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم سال سوم شمارهٔ بیستم چهارشنبه ٤ سنبله ١٣٨٣ ١٠ رجب المرجب ١٤٢٥ - ٢٥ August ٢٠٠٤

سرمقاله

روابط پاکستان وافغانستان

ص ٢

کاندیداهای ریاست جمهوری وبرنامه های آنان

عبدالحفیظ منصور وبرنامهٔ سیاسی او

ص ٦

رئیس دولت از سفر به پاکستان برگشت



در دومین روز سفر آقای حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان به پاکستان، روی جلو گیری از آسیب رسانی به کشور های همدیگر و رهایی زندانیان طرفین توافق شد.

حامد کرزی که دو روز قبل به پاکستان سفر کرده بود، با رئیس جمهور پاکستان پرویز مشرف درقصر ریاست جمهوری پاکستان دو ملاقات داشت که در یکی از این ملاقات ها با موصوف پشت در های بسته و دوبه دو به گفتگو پرداخت.

گفته شده است که در این دیدار ها روی مسائل مبارزه با تروریزم، مواد مخدر، مسائل اقتصادی و تجارتی توافقاتی به عمل آمده است.

آقای کرزی در دیدار با نخست وزیر پاکستان از آن کشور خواست تا آنعده اشخاصی که در پاکستان به جرایمی کوچک دستگیر شده اند ویا از روی جاده ها برده شده اند، آزاد گردند و در قبال آن افغانستان متعهد شده است تا ۴۰۰ زندانی پاکستانی در افغانستان را رها کند.

پاکستان همچنین وعده داد که اجازه نمی دهد تروریستها از خاکش علیه کشور افغانستان اقدامات خرابکارانه نمایند.

در این سفر آقای کرزی را وزرای مالیه، تجارت، امور مهاجرین، سرحدات وتعدادی از وزرای مشاور، رئیس دافغانستان بانک، رئیس امنیت ملی و والیان ولایت کندهار و ننگرهار همراهی می کردند.



در دومین روز سفر توافقاتی میان آقای حامد کرزی ونخست وزیر پاکستان پیرامون مسائل اقتصادی وتجارتی به امضا رسید.

آقای کرزی روز سه شنبه از سفر به پاکستان به کشور برگشت.

د افغانستان داسلامي جمعیت ویاند:

مسلح مجاهدین باید د ملی اردو او ملی پولیسو په لیکو کی تنظیم شی

دافغانستان داسلامي جمعیت ویاند محمد نسیم فقیري د بي بي سي راډیو په هغي کردي میز کي کدون کړي و کوم چي د روانو حالاتو په هکله او د کلیو د پراختیا د وزیر محترم حنیف اتمر په کډون جوړه شوي وه او دشنبي د ورځي د وري د میاشتي په یودیرشم تاریخ د بي بي سي راډیو په ماښامني پروګرام کي خپور شو



فقیري وویل: زمور هیواد د مجاهدینو د سربندني او میراني په نتیجه کي آزاده شوي ده او داد مجاهدینو قانوني حق ده چي په دولت کي پراخه ونده ولري ص٢

ادبیات داستانی معاصر افغانستان



در گفتگو با استاد رهنورد زریاب

ص٥

مجاهدین وانتخابات ریاست جمهوری

ص٢

کرزی تقاضای استعفایش را رد کرد

روز سه شنبه ٣ سنبله آقای حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان در یک گفتگوی ویژه با شبکهٔ تلویزیونی خیبر پاکستان تقاضای دوازده نفر نامزدهای ریاست جمهوری افغانستان مبنی بر استعفای خود از مقام ریاست دولت انتقالی اسلامی افغانستان را با قاطعیت رد کرد و آن را مغایر با مفاد قانون اساسی کشور خواند. کرزی گفت: برحسب هدایت قانون اساسی افغانستان رئیس دولت انتقالی ماموریت دارد تا زمانی که رئیس جمهوری آیندهٔ کشور به طور رسمی وظیفه اش را اشغال نکرده باشد، به وظیفهٔ خود من حیث رئیس دولت انتقالی ادامه بدهد، و تقاضای کاندیداهای ریاست جمهوری در این زمینه کاملاً در مخالفت با قانون اساسی واقع شده است.

به تاریخ ٢٨ اسد سال روان دوازده نفر از نامزدهای ریاست جمهوری طی یک نشست سه ساعته در هتل شاندیز زیر نام شورای همکاری نامزد های ریاست جمهوری فیصله کرده بودند که برای جلوگیری از بهره گیری های نا درست کرزی از موقف دولتی خود، او باید از مقام خویش کنار برود. دکتر عبدالستار سیرت به نمایندگی از دیگر کاندیدا ها در مقابل خبرنگاران قرار گرفت و اظهار داشت که اگر آقای کرزی در جریان یک هفته استعفا نکند آنان موضوع تحریم انتخابات را مورد غور قرار خواهند داد.

به مناسبت هفتمین سالروز سانحهٔ جانگداز هوایی بامیان

یاد و خاطرهٔ نخست وزیر شهید غفورزی وهمراهان او گرامی باد!



شهیدعبدالرحیم غفورزی



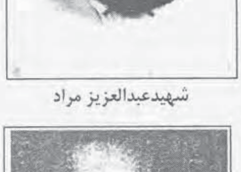
شهیدعبدالعزیز مراد



شهید عبدالعلی دانشیار



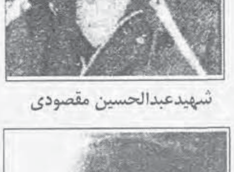
شهیدعبدالحسین مقصودی



شهید دکترکریم زارع



شهیدسیدیزدانشناس هاشمی



شهیدسید محمد امین سجادی

ماه اسد سال ١٣٧۶ خورشیدی، خاطره یی تکان دهنده و المناک دارد و ممکن نیست نسل های آینده بتوانند به سادگی آن را فراموش کنند.

هواپیمای حامل غفورزی، نخست وزیر دولت اسلامی که می بایست در بامیان نشست کند ص٣

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ١٣٥٧ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چهار راهی پروان دوم جادهٔ بادام باغ
صندوق پستی : ٢٢٦
شماره های تلفن:
تلفن: ٠٧٠٢٨٥١٣٩
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

روابط پاکستان وافغانستان

حقیقت این است که روابط افغانستان و پاکستان پس از به میان آمدن ادارهٔ موقت و سپس دولت انتقالی در پی فروپاشی نظام طالبان به رغم حفظ ظواهر دپلوماسی چندان که بایسته است صمیمانه نبوده است.

پاکستان تا اتفاق افتادن حادثهٔ ١١ سپتامبر ٢٠٠١ یکی از سه کشوری بود که رژیم طالبان را به رسمیت می شناختند و پاکستان بیشتر از دو کشور دیگر در حمایت از آنان جدیت داشت. هر چند پاکستان با اقدامات جامعهٔ جهانی به ویژه ایالات متحدهٔ آمریکا که خواهان سرنگونی رژیم طالبان بود همکاری نشان داد ودر برچیدن بساط رژیم طالبان نقش بازی کرد ولی روابط این دو کشور همسایه تا هنوز از گرمی لازم بهره ور نیست.

اگر چه در طی بیشتر از دونیم سال عمر ادارهٔ موقت و دولت انتقالی افغانستان هیأت هایی بلند پایه و با صلاحیت میان دو کشور رفت وآمد کرده است اما تا جایی که دیده می شود این آمدو شد هیأتها اثراتی بسیار بزرگ در عرصهٔ بهبود روابط این دو کشور وزدودن عوامل تیرگی آن نداشته است.

تیرگی روابط سیاسی میان دولت های افغانستان و پاکستان در طی دوره های مختلف در پهلو های گونه گون زندگی بر این دو کشور آسیب رسانیده است.

پاکستان در گذشته ها به افغانستان به چشم عمق استراتژیک خود نظر افگنده است وهمین دید او را به اتخاذ شیوه هایی نا درست در قبال افغانستان وا داشته است، در حالی که برای پاکستان میسر بوده است منافعی بزرگ را از راه دوستی و همکاری با افغانستان وتأمین استقرار و امنیت در این کشور به دست آورد.

اکنون زمان آن فرا رسیده است که دولتمردان هر دو کشور حساسیت های وقت را درک کنند و با کنار گذاشتن سیاستهای کهنه و ناکام پیشین راهی را در پیش گیرند که به سود ملت های مسلمان هر دو کشور باشد.

افغانستان و پاکستان در زمینه های فراوان می توانند یک دیگر را در نکویی وتقوی یاری برسانند؛ تاریخ و فرهنگ مشترک دو کشور از ازمنهٔ دور تا امروز به مثابهٔ پشتوانه یی خوب برای این همکاری می تواند در بیاید. افزون بر آن حضور چند میلیونی مهاجران افغانستان از دوران جهاد تا کنون در خاک پاکستان و فراهم آمدن تسهیلات برای آنان از سوی دولت وملت پاکستان زمینه های دوستی میان این ملت را بیشتر از پیش نیرومند ساخته است.

سفر آخر رئیس دولت افغانستان در روز دوشنبه ٢ سنبله به پاکستان می تواند در بهبود روابط دو کشور کمک کند به شرطی که در این سفر ها ودیدار ها به جای پرداختن به تشریفات وظواهر امور، صادقانه به حل مشکلات واقعی میان دوکشور توجه صورت پذیرد و در این کار منافع دو کشور ملحوظ قرار گیرد.

مجاهدین وانتخابات ریاست جمهوری

محمدنسیم فقیری

انتخابات ریاست جمهوری چالش مهم دیگری است که فرا روی مجاهدین قرار دارد.

این انتخابات از جهات مختلف حایز اهمیت می باشد:

برای نخستین بار درکشور ما و براساس قانون اساسی به مردم این حق داده شده است که رئیس جمهور خویش را با رأی مستقیم برگزینند و در گذشته نمونه ومثال آن را سراغ نداریم.

در سال ١٣٥٢ رژیم سلطنتی با یک کودتای نظامی ولی بدون خونریزی سرنگون شد وجمهوریت اعلام گردید و چه جمهوریتی!! صلاحیت های رئیس دولت وبعد رئیس جمهور بیشتر از شاه بود و در نخستین سال جمهوریت، رئیس دولت پست های صدارت، وزارت دفاع و وزارت خارجه را نیز خود به عهده داشت!

در سال ١٣٥٥ طی نمایشنامه یی به نام لویه جرگه به حیث رئیس جمهور انتخاب گردید! در مورد کودتای خونین ٧ ثور و رژیم ها وزمامداران آن نیازی به بحث نداریم زیرا رژیم هایی دست نشانده وفاقد مشروعیت بودند وفقط پس از پیروزی جهاد در سال ١٣٧١ نمایندگان مردم در شورای حل وعقد رئیس جمهور را انتخاب نمودند که رأی غیرمستقیم مردم به شمار می رود ونمونه های آن در سایر کشورها به ویژه رژیم های پارلمانی دیده می شود.

> **تاجایی که به مجاهدین ارتباط می گیرد، با تأسف باید گفت که در این موضوع بسیار مهم واساسی نیز موقف وموضع واحد ومشترک ندارند و دچار آشفتگی و پراگندگی می باشند.**

بنا براین انتخابات ریاست جمهوری یک تجربهٔ نو درکشور ماست اما توأم با مشکلات و دشواری ها.

تاجایی که به مجاهدین ارتباط می گیرد، با تأسف باید گفت که در این موضوع بسیار مهم واساسی نیز موقف وموضع واحد ومشترک ندارند و دچار آشفتگی و پراگندگی می باشند.

مشکل دیگر این است که برخی فقط خود را مجاهد ویا مجاهد واقعی می دانند و دیگران را وابسته یا معامله گر! ورنه در فهرست کاندیداها بیش از شش چهرهٔ مجاهد به نظر می آید که عبارت اند از:

١- انجینیر احمد شاه احمدزی
٢- حامد کرزی
٣- محمد یونس قانونی
٤- عبدالحفیظ منصور
٥- حاجی محمد محقق
٦- سیداسحق گیلانی

برخی به این باورند که هرگاه مجاهدین دارای کاندیدای واحد باشند، نتیجهٔ انتخابات در مرحلهٔ اول روشن می شود در غیر آن، احتمال دارد که انتخابات به دور دوم کشانیده شود که مصارفی گزاف را ایجاب می نماید و بر اصل تفاهم مشترک و وفاق ملی که یک ضرورت اساسی در شرایط موجود است، زیان می رساند.

امیدواری هایی وجود دارد که با آغاز مبارزات انتخاباتی ومیانجی گری های افراد ومجموعه ها، از شمار کاندیداها کاسته شود وبعضی ها کنار بروند و یا به سود دیگری منصرف گردند.

تعدد کاندیداهای مجاهدین وموضع گیری سازمانها ها وشخصیت های جهادی در مورد آنان برای کسانی که تحولات بیش از یک دههٔ اخیر را به دقت دنبال نکرده اند، بسیار جالب وتعجب بر انگیز است.

محترم انجینیر احمدشاه احمدزی در حالی که معاون تنظیم اتحاد اسلامی افغانستان است ولی به حیث کاندیدای آزاد وارد میدان گردیده است.

آقایان قانونی ومنصور با وجود بیش از دو دهه فعالیت جهادی در صفوف جمعیت اسلامی، مورد حمایت این سازمان قرار نگرفته اند.

آقای سیداسحق گیلانی که دارای سابقهٔ عضویت در تنظیم های محاذ ملی وجبههٔ ملی می باشد، از سوی نهضت همبستگی تحت رهبری خودش نامزد گردیده است.

در این میان حزب جدید التأسیس «نهضت ملی» در نخستین روزهای آغاز فعالیت خویش با آشفتگی وبحران جدی مواجه می باشد. از یک سو محترم احمدضیا مسعود یکی از اعضای شورای تصمیم گیری آن به حیث معاون اول آقای کرزی نامزد گردیده است و از سوی دیگر محترم قانونی عضو دیگر شورای تصمیم گیری کاندیدای ریاست جمهوری می باشد و در خبر رادیو و تلویزیون ومطبوعات کاندیدای نهضت ملی معرفی گردیده است ولی تاهنوز نهضت ملی موقف خویش را روشن نساخته است که آیا آقای قانونی کاندیدای نهضت ملی است یا خیر؟

واین که از معاونت آقای مسعود دفاع و به نفع او تبلیغات خواهد نمود یا خیر؟

زمان به سرعت می گذرد و نهضت ناگزیر است تا در طی همین هفته موقف خویش را روشن سازد. هرچند آقای احمد ولی مسعود رهبر نهضت ملی در یکی از مصاحبه های خویش اشارت نموده است که آقای قانونی کاندیدای نهضت ملی نیست.

مسلح مجاهدین باید ...

مونږ اردو او پولیسو ته ضرورت لرو او باید چي مجاهدین د ملي اردو او ملي پولیسو په لیکو کي تنظیم شي او هغه کسان چي بي وسلي کیږي دادهغوي قانوني غوښتنه ده چي باید دوي ته په پتمنه توګه د کار او روزګار شرایط چمتو شي.

فقیري د ملکي کدرونو په اړه وویل چي مجاهد قوماندانان، ملکي او تجربه لرونکي کدرونه دي او په عملي ډګر کي په ډیره اتلوالي سره د هیواد په ژغورنه کي خپلي ورتیا او شایستګي ښودلي دي.

ویاند د قوانینو په رعایت او د مرکزي حکومت د اوامرو د اطاعت په هکله زیاته کړه:

مونږ په قانون او د قانون په سم پلي کیدو باندي باور او ټینګار لرو او د بیلګي په توګه خپل ستر جهادي قوماندانان د مثال او شاهد په توګه یادولاي شو: امیر صاحب اسماعیل خان مخکي د قول اردو قوماندان هم و خو اوس یواځي ملکي والي دي، استاد عطا محمد مخکي د قول اردو قوماندان و خو اوس ملکي والي ده او همداسي جنرال محمد داوود خان مخکي د قول اردو قوماندان و او اوس د کورنیو چارو د وزارت معین تاکل شوي دي.

فقیري ددي نظر په هکله چي مجاهدینو څوارلس کاله جهاد کړي ده او هیواد د هغوي د میړاني او سربښندني په نتیجه کي آزاد شویده نو یواځي هغوي حق لري چي حکومت وکړي، وویل: بي له شکه چي هیواد د مجاهدینو دسربښندني له برکته آزاد شوي ده او په تمام دنیا کي دا یو اصل او قاعده ده چي ژغورنکي او فاتح خواکونه حکومت ته رسیږي او واک په خپل لاس کي اخلي ولي مونږ پدي باور یو چي افغانستان په سلو کي نه نوي خلک د جهاد او مجاهدینو ننګه کوله او ډیر محدود شمیر کسان د پردیو غلامان و او همدارنګه د انحصار طلبي سره مخالف یو او غواړو چي خپل کډ کور د پوهو او صالحو افرادو په ملتیا جوړ او ودان کړو.

فقیري د مسلحو ډلو د کوندي تړاو په هکله وویل: د افغانستان اسلامي جمعیت خپلو ټولو غړو ته په ډاګه اعلان کړي ده چي داساسي قانوني او دسیاسي ګوندونو دقانون له مخي د اردو، پولیسو د ملي امنیت کارکوونکي او همدارنګه قاضیان او څارنوالان د رسمي دندي په موده کي نشي کولاي چي داسلامي جمعیت یا نورو ګوندونو غړیتوب ولري او ټینګار لرو چي اوس ددي وخت رارسیدلي چي جهادي تنظیمونه په سیاسي ګوندونو بدل شي.

ویاند دبشري ضد جنایاتو د تورونو په هکله وویل جي اصلي جنایت کاران هغه دي چي د ثور کودتا نه پس ډیر خلک په زندانونو کي وژلي او حتي د داوود خان د وخت سیاسي بندیان چي پکي د پوهنتون استادان، محصلین او نور شخصیتونه و د ثور د کودتا نه پس په داسي حال کي چي د خینو شپږ میاشتي او یو کال د حبس موده پاتي وه، ټول په بي رحمي سره وژل شوی دی.

یاد و خاطرهٔ نخست وزیر شهید غفورزی و ...

به شدت برزمین خورد وجان عده یی از بهترین فرزندان ملت را گرفت، این حادثهٔ خونین روز سی ام اسد ۱۳۷۶ به وقوع پیوست.

در این روز عبدالرحیم غفورزی، عبدالعزیز مراد، عبدالعلی دانشیار، محمد رحیم رفعت، مهدی بگراموال، فیض الله ، عبدالحسین مقصودی، دکتر کریم زارع، سید یزدان شناس هاشمی ، محمد امین عبادی وعده یی دیگر که شهرت ایشان متأسفانه در اختیار قرار ندارد، به شهادت رسیدند. روح آنان شاد وفردوس برین جای شان باد!

عبدالرحیم غفورزی فرزند عبدالغفور خان ، در سال ۱۳۲۷ در شهر کابل زاده شد، تعلیمات ابتدایی و ثانوی را در لیسهٔ حبیبیه کامل کرد، و سپس وارد دانشگاه کابل گردید و در رشتهٔ ژورنالیسم به تحصیل پرداخت. غفورزی بعد از فراغت از دانشگاه کابل به وزارت خارجه رفت و در بخش های گونا گون آن وزارت به کار پرداخت.

پس از تهاجم ارتش سرخ به کشور، غفورزی از تریبون سازمان ملل بر ضد این تجاوز سخنرانی کرد و خلاف توقع رژیم دست نشانده، جانب ملت را گرفت.

غفورزی در سخنرانی هایی مهم و در سطوحی بالا مانند کنفرانس غیر متعهد ها به دفاع از جهاد بر حق ملت افغانستان پرداخت و دسایس و توطئه های دشمن در سطح جهانی و منطقه یی را افشا کرد و سپس در تمام مدت، تا پیروزی مجاهدین و بعد از آن نیز تا دم مرگ در کنار مجاهدین و در خدمت جهاد قرار داشت.

وی در سال ۱۳۷۱ به سمت نمایندهٔ دایمی افغانستان در سازمان ملل تعیین گردید و در سال ۱۳۷۴ بحیث معین وزارت خارجه تقرر حاصل کرد.

بعد از سقوط حاکمیت مجاهدین توسط طالبان، وی به صفت وزیر خارجهٔ دولت اسلامی ایفای وظیفه کرد.

در شرایط بعد از پیروزی طالبان که وضع مطلوبی نبود و عده یی جهاد ومقاومت را به حال خود گذاشته بودند، غفورزی به مبارزهٔ فعال دپلماتیک برای تحقق آرزو های ملت مجاهد و مقاوم افغانستان مبادرت کرد.

در سال ۱۳۷۶، در ماه اسد، غفورزی در اجلاس پنجشیر به مقام نخست وزیری دولت اسلامی تعیین شد و بنا به قولی هشت روز بعد جام شهادت نوشید. بهشت برین جایش باد!

عبدالعزیز مراد فرزند حاجی بهادر خان در سال ۱۳۳۲ در کوه بند ولایت کاپیسا دیده به جهان هستی باز کرد.

آموزش ابتدایی را در کوه بند و ثانوی را در لیسهٔ ابن سینا به پایان رساند. عبدالعزیز مراد در سال ۱۳۵۴ تحصیلات خود در دانشکدهٔ حقوق را نیمه تمام گذاشت و راهی پشاور گردید.

عبدالعزیز مراد که بعداز شکست قیام پنجشیر دیگر امکان ادامهٔ تحصیل در دانشگاه کابل رانداشت، به صف فعالان مهاجر وابسته به جهاد پیوست.

موصوف از حرکت ناکام مجاهدین در پنجشیر درس ها وتجربه هایی گرانبها آموخت وبا احمد شاه مسعود که در آن زمان قیادت مجاهدین در پنجشیر را عهده دار بود، از نزدیک آشنا شد و سجایا وصفات بارز او را بعد ها در مجالس و محافل متعدد شهادت داد و نقشی بزرگ را در زدودن برخی نا ملایمات دوران جهاد به عهده گرفت.

عبدالعزیز مراد در سال ۱۳۶۰ به وطن بازگشت و به کار مخفی بر ضد نظام دست نشاندهٔ مسکو وتدارک فعالیت برضد نیروهای اشغالگرپرداخت، اما پس از آن که در جدال خونین مجاهدان برضد نیروهای اشغالگر شوروی شرکت فعال ورزید و جراحت برداشت، بار دیگر کشور را با عده یی از برادران ترک گفت و راهی پاکستان گردید.

او یکی از چهره های شاخص جهاد و مقاومت ملت مجاهد افغانستان به حساب می آید.

مراد بعد از آن که جراحاتش در مان شد، چندین بار به افغانستان آمد و در مبارزهٔ فعال بر ضد نظام کمونیستی و ارتش متجاوز اجنبی شرکت ورزید.

شهید مراد یکی از دلسوز ترین نخبگان جهاد بود که برای تأمین وحدت ملی و همبستگی مجاهدین تلاش می کردند و در این استقامت سعی و همت فراوان به خرچ داد که خداوند اجر عظیمی شامل حال وی گرداند.

شهید مراد به عنوان یک سخنگوی با صلاحیت ، در تمام حالات دشوار در برابر مسائل گونه گون و مبرم و حساس موضع گرفت و به گونه یی شایسته و مناسب حق مطلب را ادا کرد.

شهادت المناک این مجاهد پاک باز در سانحهٔ میدان هوایی بامیان ، حقا که جمع کثیری از مجاهدان و هواداران منافع کشور و آرمانهای ملت را دردمند و سوگوار کرد.

خداوند منان به همه بازماندگان وی صبر و توان ببخشاد!

عبدالعلی دانشیار فرزند محمد تمیم در سال ۱۳۴۳ خورشیدی در توابع ولایت بدخشان، در دهکدهٔ بید کلان یفتل زاده شد.

او دورهٔ ابتدایی آموزش را در مدرسهٔ ابتدایی بید کلان خواند و دورهٔ ثانوی را در لیسهٔ پامیر در مرکز ولایت بدخشان به پایان رساند.

عبدالعلی دانشیار، به گفتهٔ دوستان دوران تحصیل ثانوی وی، یکی از باهوش ترین و مستعد ترین ها بود. وی به جنبش جوانان مسلمان پیوست و با تمایلات چپ گرایانه به مخالفت برخاست. چپ گرایی که در آن روز گار موجی قابل توجهی در بدخشان به وجود آورده بود و ذهن تعدادی کثیر از جوانان را به بیراهه می کشید ، دانشیار وعده یی دیگر از منوران مسلمان را واداشت تا واکنش دینی و اسلامی جامعهٔ مسلمان را در برابر این گرایش زیانبار، هم آهنگی و تحرک بخشند.

دانشیار که در این سالها رهبری حرکت جوانان مسلمان لیسهٔ پامیر را به عهده داشت، بعد از فراغت وارد دارالمعلمین ولایت تخار گردید و در آنجا نیز پیشاپیش فعالان نهضت اسلامی حرکت می کرد.

پس از کودتای هفت ثور که کمونیستان خلق و پرچم قدرت رادر دست گرفتند، باشناختی که از این گروه داشت و بنا بر آن جان عده یی را در خطر می دید، تصمیم به مهاجرت گرفت و دیگران را نیز به بیرون شدن از دام حکومت کمونیستی تشویق کرد.

دانشیار بنا به گفتهٔ برخی صاحبنظران، وقتی دید که جمعی از بزرگان نهضت اسلامی در بدخشان حاضر به ترک کشور نیستند، خود با عده یی محدود، راه سفر در پیش گرفت و افغانستان را ترک کرد.

نامبرده پس از آن چندین بار به افغانستان آمد ورابطهٔ فعالان اسلامی ومجاهدان را با رهبری جمعیت اسلامی در پشاور محکم تر کرد و سپس به تهران رفت وبه تحصیل دانش و مبارزهٔ فرهنگی پرداخت .

دانشیار پس از فراغت از دانشگاه تهران وبعد از پیروزی مجاهدین مدتی در سفارت افغانستان به کار پرداخت و بعد به کشور برگشت و در دانشکدهٔ حقوق دانشگاه کابل به تدریس پرداخت.

او پس از سقوط دولت اسلامی به دست طالبان به شمال کشور رفت و دمی هم ازمبارزه و فعالیت برای تحقق داعیهٔ جهاد فارغ نشست.

دانشیار به صفت یک فعال برازندهٔ امور فرهنگی نیز، شاخص هایی فراوان دارد:

وی مدتی مدیر مسؤول جریدهٔ مجاهد ارگان نشراتی جمعیت اسلامی بود و زمانی هم به گردانندگی نشریهٔ دفتر جمعیت در تهران پرداخت.

دانشیار هنگام تسلط مجاهدین در کابل روزنامهٔ صبح امید را اساس گذاشت که از بسیاری لحاظ یک روزنامهٔ وزین وقابل توجه به حساب می آمد.

شهادت دانشیار در سقوط هواپیمای حامل غفورزی و یاران وی ، بی گمان یک ضایعهٔ جبران ناپذیر است.

روحش شاد و بهشت جاویدان نصیبش باد!

> **پس از تهاجم ارتش سرخ به کشور، غفورزی از تریبون سازمان ملل بر ضد این تجاوز سخنرانی کرد و خلاف توقع رژیم دست نشانده، جانب ملت را گرفت.**

طرحی برای قطع مداخله ...

این هم نظری بود و بخصوص این که از طرف یک استاد دانشگاه ابراز می شد وزن خاص خود را داشت. در این جمع دکانداری سالخورده نیز حضور داشت که شاید به علت کمی سواد جرأت نمی کرد ابراز نظر نماید. او چند بار خواست حرفی بزند اما سخن خویش را فروخورد تا این که یکی از حاضران که متوجه حالت وی شده بود از او خواست تا نظر خود را بگوید. وی گفت:

من نظر به شما شخص بسیار کم سواد هستم اما نظر من به تجربه متکی است نمی دانم که بزرگان حاضر در مجلس آن را تا چه حد منطبق با اصول علمی خواهند یافت. من به این نظر هستم تا زمانی که در کشور ما شرایطی به وجود نیاید که همسایگان ما بی ثباتی ما را به ضرر خود و ثبات مارا به نفع خود ارزیابی کنند، این مداخلات قطع نخواهد شد. این کار در صورتی ممکن است که همسایگان منافعی در افغانستان داشته باشند که با تحکیم ثبات در کشور ما به دست آید. به نظر من این کار از طریق داد وستد و تجارت ممکن است. مسابقهٔ تسلیحاتی ما را فقیر تر و بیش از پیش محتاج بیگانگان می سازد.

من زمانی را به یاد دارم که بین هند و پاکستان جنگ شد و در افغانستان همه چیز گران گردید. در حالی که افغانستان با هندوستان رابطهٔ دوستانه تر داشت، اما منافع اقتصادی ما با پاکستان بیشتر بود و این برای ما ضرور و حتی حیاتی بود تا هند و پاکستان باهم صلح نمایند.

همه این نظر را وارد تر و عملی تر دانستند. هرکس در مورد این که چگونه این شرایط در افغانستان به وجود آید نظری داشتند. استاد دانشگاه به این نظر بود که باید افغانستان پیش از همه سعی نماید تا راه ارتباطی از طریق شاهراه های ترانزیت باشد؛ تمدید لوله های گاز از طریق کشور ما می تواند این هدف را تقویت نماید.

به راستی نیز دنیای ما دنیایی است که روابط در آن با منافع اقتصادی تعریف می شود. دولت برای رسیدن به این هدف باید اولویت ها را اصلی و فرعی نماید تا به این هدف نایل شود و در کشور شرایطی به وجود آید که ثبات یا بی ثباتی در افغانستان بالای کشور های همسایه تأثیر مستقیم داشته باشد. از این راه است که می توان مشکل خود با مداخله گران را حل کرد. آیا چنین نیست؟

واشنګټن ټایمز:

امریکا په افغانستان کی د مخدره توکیو پر خلاف مبارزی کی پاتی راغلی

دواشنګټن ټایمز ورځپاڼي پخپلې یوې تازه ګڼې کې د امریکې د حکومت له خوا په افغانستان د نیشه يي توکیو پر خلاف د مبارزې په اړوند یو مطلب خپور کړې چې غټ ټکې يي قدرمندو لوستونکو ته وړاندې کوو:

ورځپاڼه ریپوټ ورکوي دبوش حکومت په پام کې لرې د نیشه يي توکیو پر خلاف د جنګې مبارزې لپاره افغانستان ته د امریکا د استخباراتو یو لوړ رتبه مامور خارول وینګل ولیږي چې د نیشه يي توکیو پر خلاف د ټولو عملیاتو څارنه وکړې د ورځپاڼي په وینا دا ځکه چې سپینې ماڼي سره داویره پیدا شوې که چیرې د کوکنارو د کرکیلې مخه ونه نیول شي نو کیداې شي چه دغه هیواد د نیشه يي توکیو د تولید په یوه دولت بدل شي.

د امریکې د غه استازې خارول وینګل د امریکې د نیشه يي توکیو سره د مبارزې د دفتر مرستیال او په دغه برخه کې څلور دیرش کلنه تجربه لري.

ټایمز زیاتوي: نوموړې به په افغانستان کې د متحده ایالاتو سفیر زلمي خلیل زاد ته دخپلو فعالیتونو رپوټ ورکړې وینګل والي د امریکې له خوا ددغه شان لوړ رتبه استخباراتي مامورینو ګارول ددغه هیواد د تشویش او ویرې ښکارندوې دې.

واشنګټن ټایمز د جمهوري او دیموکرات ګوندونو د سناتورانو له خولې لیکې چې تر اوسه پورې امریکا په دې نه ده بریالی شوې چې د افغانستان نه د نیشه يي توکیو د قاچاقو مخه ونیسي ځکه دا ویره شته سږ کال به په افغانستان کې دکوکناراو افینو تولید دوه برابره زیات شي او افغانستان به په نړې کې د کوکنارو او نیشه يي توکیو د تولید په یوه غټ مرکز بدل شي.

ورځپاڼه والي: که څه هم انګریزانو او امریکائي قواوو د افغانستان له حکومت سره د نیشه يي توکیو په له منځه وړلو کې مرسته کړې خو دافغانستان حکومت نه غواړې چې سمدلاسه دې دکوکنارو پر کروندو باندې یرغل وشي

ورځپاڼه په پای کې لیکې چې د امریکې د استخباراتو مامورینو ته له تشویشه ډکه دا پوښتنه پیدا شوې چې د نیشه يي توکیو تجارت کې د طالبانو او القاعدې سازمان څومره لاس دې او دامریکې د کانګرس غړې په دې باور دي طالبان او بن لادن ددغه تجارت نږدې اړیکې لري.

دیادونې وړ ده چې په دې وروستیو کې د نیشه يي توکیو تر څنګ د شرابو داستعمال لمنه هم پراخه شوې ده او سربیره پر دې چې د ترېوالې ټولنې له پامه غورزول شوې ده دولتي چارواکې او مسوولین هم ددغې ناوړې پدیدې په له منځه وړلو کې پټه خوله او تړلې لاس پاتې دې چې که نې مخه ونه نیول شي زموږ د ټولنې هر څه به تیره بیا ځوان نسل به په سیند لاهو شي.

چند هزاره؟

محمد سرور رجایی

چند دهه، چند سده، چند هزاره می شود
هزاره ی من که تکیه برباد داده ای ؟
ودر سراشیب دره های سکوت آواز می خوانی
بگذار تاول درجلگه ی غریبی دستانت بیاشوبد
من، از معصومیت نگاهت می خوانم
که چشمانت لانه ی هزار گنجشک اند
ومأمن هزار بودنه ی مست
بگذار نیستان انگشتانت
دررویش دامن ها تاول بردارند
تاول
پیوند دیرینه ی خاک وانسان است
چند هفته ، چند ماه، چند سال می شود
فصل بودن ونبودن را ورق می زنی
وصخره هایی را که دیگر
از انحصار خویش درآمده اند
دردشت رویای هزار سالگی ات می کاری
صخره ها چه بی تناسب روییده اند
درست شبیه من وبرادرانم
شاید ما را طعنه می زنند
دره ها شیار های پیشانی سوخته ات را می مانند
شیار هایی که
تاریخ سرگردانی آدم هایند
وکوهستان شانه های خسته ی تواست که برجای مانده است
چند ثانیه ، چند دقیقه ، چند ساعت می شود
که باد ها زیر دستان تو می رقصند
آسمان نگاهت آبی تر می شود
ستاره ها از آسمان فرود می آیند
وحجم خستگی تو را می نوشند .
بودا برای تو ، نه
به جای تو فروریخت
تا جهان برای تو هزاره ی دیگری بیاغازد.

بختور یو چی آزاد یو

ګ ــ الف

دیوه وطن اولاد یو
تیر له سره په هیواد یو
دافغان په نامه یاد یو
بختور یو چي آزاد یو
داوطن دي پرمونږ ګران
دا وطن دي دافغان
په یوه نامه یادیږو
په یوه بیرغ ټولیږو
یو له بله نه بیلیږو
په یوه وطن خاریږو
ټول منو دخداي فرمان
دامو عهد او پیمان
آزادي زمونږ لیلا ده
آزادي پرمونږ شیدا ده
راسره لویه سودا ده
په لوي خداي زمونږ وینا ده
ساتو خپل شرف او شان
دوطن نام ونښان

مرز

محبوبه ابراهیمی

برتابلو نوشته شده : مرز، چند بار
یعنی چقدر مانده به تو، چند انتظار؟
برتابلو غریب نشسته است نام تو
درسینه شوق پرزدن از سیم خاردار
این سو شکسته تلخ غزل درگلوی من
آن سو شکفته شعر به لب های قندهار
ای باد بوسه های مرا تالبش ببر
بنشان به گونه های زمستان گل انار
حالا که سبزه سرزده از جای زخم هاش
ای ابرگریه های مرا برتنش ببار

این سوکنار مرز نشسته ست انتظار
آن سو شکفته است لب رود نوبهار

نوکر خنګه وزیر شو؟

ش - زیارمل

تعجب مه کوي، دانظام دهغه ذات دي چه یو صفت ئي کن فیکون دي، هغه هرڅه چي وغواړي هماغسي کیږي او ټول کارونه ئي په لهي حکمت روان دي وائي یوه ورځ یو پاچا له خپل وزیر سره دښکار په لور روان و، چي له یو جومات څخه دقران کریم د آیت تر غوږ شو (کلّ یومٍ هوَ فی شأن).

پاچا خپل وزیر ته مخ واړوه چي د دي مبارک آیت مانا څه ده؟ وزیر ورته وویل حضور سبا به د دي آیت مانا تاسوته وړاندي کړم. کله چي وزیر کورته راستون شو نو ډیر خپه په خپل چپرکټ پریوت نوکر ئي پوښتنه وکړه چي صاحب ستاسو خاطر ولي داسي پریشانه ښکاري.

وزیر ورته وویل پاچا راڅخه د دغه آیت ترجمه غوښتي ده، زه پخپله پري نه پوهیږم او له شرمه له چانه تپوس نه شم کولاي حیران یم څه وکړم؟! نوکر ورته وویل عالیقدر د دي مانا ماته راخي د آیت شریف مانا داده: «هروخت د کایناتو په دغه لایتناهي خلقت کي دالله دحکمروایي یوه بي پایانه لړی روانه ده، څوک وژني او څوک ژوند کوي، څوک لوږوي او څوک غوړخوي چا ته روغتیا او خوښي ورکوي او څوک بیا په رنځور اخته کوي، بي شمیره مخلوقاتو ته روزي ورکوي بي شمیره شیان په نوي رنګ او بنیه پیدا کوي، لنډه داچي دا دنیا هیڅکله په یوحال نه پاتي کیږي، هر شیبه په بدلون او تحول کي ده او خالق هرڅه ته په یوه نوي بڼه ترکیب ورکوي چي له پخوانیو ټولو بڼو سره توپیر لري.»

کله چي نوکر وزیر ته داتوضحیات ورکړل، وزیر ډیر خوشحاله شو او سهار وختي دپاچا دربارکي حاضر شو او پاچاته ئي دمبارک آیت مانا ټکي په ټکي بیان کړه، پاچا ورته وویل چي دا ما دي له چا نه زده کړه او چا در وښودله؟

وزیر ورته وویل دا مي له خپل نوکر څخه زده کړه کله چي نوکر پاچاته حاضر کړي شو او دنوموړي آیت شریف پوره توضیح او تفسیر ئي تري واورید پاچا ورته وویل ستا په پوهه او عقل، سر له نن څخه ته زما وزیر ئي او وزیر مي ستا نوکر مقرر کړ، زه باید ستا له پوهي او علمیت نه کار واخلم او له تاسره تل مشوره وکړم.

په هغو ټولنو کي چي د پوهانو او عقل د خاوندانو قدر وشي. هغه ټولنه به ضرور د پرمختګ او آبادي لاره وهي، خلک به ئي هوسا او ملک به ئي آباد وي او هغه ټولنه چي هغوي وزارتونه او صدارتونه دخلکو دپوهي او مهارت پر معیار نه بلکي د خپلوي، قومولي، ګوندي، سیمي ژبي او نورو تعلقاتو له مخي ویشي نو دارنګه ټولنه به تل د وروسته پاتي والي، بیسوادي، بي کورۍ، بي علمي، لوږي او بي اتفاقي او له سلګونو نورو مصیبتونو سره لاس او ګریوان دي.

هیله ده چي زمونږ دنظام راتلونکي مشران هم یواځي، پوهه او علمیت د وزارتونو او ریاستونو دڅوکیو دنیولو معیار وګرځوي او کار هغه چاته وسپاري چي هغه د کار اهل او دپوهي خاوند وي.

تکیه گاه

عزیز روز به

چند سال پر از هول و اضطراب دیگر از آن روز گذشته است . چند سالی که جای پای آن ها را برروی سالهای زندگیم می توانم نشان بدهم. تغییرات بزرگی حادث شده است . من تغییر کرده ام . لااقل پیر تر شده ام . ورق ها بر گشته اند . باد هایی که روزی آنها را شرطه می طلبیدم ، حالا بر مراد دل مان می وزند، ولی ای کاش نمی وزیدند ومن اکنون مانند گذشته اصلاً برای ان حسرت می خورم.

ایستاده ام . دربرابرم همان شهر، با همان خانه ها و کوچه های پیچ در پیچش قرار دارند . تفاوتی درشهر نمی بینم . آه، یادم آمد در اول گفته بودم تغییرات بزرگی آمده است . ببخشید، شهرم تفاوت چندانی نکرده است . همین حالا که در برابر این درخت زخم خورده ایستاده ام ، دلم به حالش می سوزد . مانند خودم می نماید، پیر ، دلخسته وحتی مرده.

خانه های ویران شده ، شکسته وریخته همانگونه که بودند ، ایستاده اند . منظورم دیوار هاست که درهم و برهم ایستاده اند ، لا بد برای این که آوار از آنها بریزد و در طی سالهایی دیگر، سرو شانهٔ شان صاف شود، صاف و با خاک برابر. با این خاکی که اکنون در زیر پایم بی رمق است .

درخت زخم خورده با شاخهای خشکیده اش به هیأت انسانی می ماند که در غروبی غم آلود دستهایش را به سوی آسمان بلند کرده است و از سرنوشت و زندگیش شکایت دارد و از خدای راه رهایی و نجات می طلبد .

درخت را که دیدم به یاد گذشته ها افتیدم ، به یاد چند سال پیش که این درخت آن روز ها سبز بود و هر چند آدمهای این حوالی غمخوار یش نمی کردند، زنده بود و می شد در تابستانها در زیر سایه آن لختی آرمید وحتی در خلوت غمینی که داشت، چشم برهم گذاشته و به خوابی شیرین فرو رفت .

●●●

دود از شانه های شهر بالا بود و اینجا ، محله قدیمی و کهنه شهر، از کنار دریا تا دامنه های کوه ، دامنه های مدحش و خطرناکی را می مانست که در آن اژدهای افسانویی با دم آتشین ، رهروان ومسافران بخت برگشته را می بلعد .

گفتم محلهٔ قدیمی ، درست است . درهمان محلهٔ قدیمی و درست مشرف به درهٔ کوچکی د ر دامنه های کوه می زیستم. آن روز نمی دانم کدامین روز بود شاید صد سال ، شاید هزار سال و شا ید ده سال پیش را می گویم . برایم فرقی نمی کند که چند سال گذشته است آن روز نا گاه بادی وزیدن گرفت ، بادی که هول و وحشت را همراه داشت . باد تند تر شد و تند تر شد وتند تر شد و همان سان که می وزید دم گرمی پیدا کرد. گرم شد و گرم شد و تا آن که به بادی آتشناک مبدل گشت.

من از خانهٔ گلین و محقرم برشانهٔ کوه بلند شدم. می لرزیدم و آن سان که به باد آتشین وهولناک لعنت می کردم، برزمین هم لعنت می کردم که این گونه سخت است ، وسیع است و برای ما آدمهای درمانده از 'شر' درماند . از 'هول' در مانده از 'دیو' ودرمانده از 'آدمهای پلید تر از دیو' کوتاه نمی آید تا فرجامی برای مان دریابیم .

ازهمان بلندی باد را لعنت می کردم و باد آتشناک را و 'دیو' را و 'پلید تر از دیو' را تا به کنار آن درخت رسیدم. درختی که از 'دیو' و 'پلید تر از دیو' فاصله داشت ولی باد، این باد آتشناک در سر پنجه هایش می وزید ، سفیر می کشید و برگهایش را ابتدا می خشکانید و آن گاه...

زمانی که به درخت نزدیک شدم ، 'دیو' ها و 'پلید تر از دیو' ها همچنان که من می دیدم در کوچه ها پرسه می زدند و این وضعیت هفتاد قرن دوام کرد و هفتاد قرن دیگر باد آتشناک برگ و بار درخت آشنای مرا فرا گرفت ، دورو بر آن وزید ، بر پنجه هایش بال وپر افشاند ، شاخهایش را در آغوش کشید و سوختاند چندان که از آن، تنهٔ تنومند و چند شاخ لچ وبی برگ با قی است ومی ترسم هفتاد قرن دیگر من زنده باشم و آن را همچنان ببینم.

●●●

آن روز 'او' در کنارم ایستاده بود . به من تکیه کرده با دستهای لرزانش افق نه چندان دوری را برایم نشان می داد که دودی سیاه و هولناک بر پهنای آن ره یافته بود . دودی که من شاید آن را در خیالاتم نیز ندیده بودم و تصورش را نکرده بودم .

درحالی که 'او' دود را برایم نشان می داد ، می گریست ، گویی می دانست که این دود ، ازپهنای این افق هرگز برچیده نخواهد شد.

'او' با تکیه به من به حالت نابه سامان درخت اشاره کرد و از من پرسید، می دانی وقتی آدمی را مصیبتی می رسد هولناک ، وضعیتش به حالت این درخت می ماند . درختی که اکنون دربرابر من و تو است، همان درختی است که تاروز ها ،هفته ها ، ماه ها و سالهای پیشین سبز قامت افراشته بود و جایگاهش خلوتگاه آدمیانی مانند ما بود . آن درخت اکنون از 'مصیبت' رسیده چنین آشفته وزار است و حیف آدمی ....

'او' همان گونه که درخت را می نمود. تعبیر دیگری از حوادثی داشت که چهار دور وبرمان برآدمهای همانند مان می بارید .

همان سان که اشک می بارید ، مانند دیوانه یی که به خیالاتش قمچین زده باشند نا گاه خندهٔ مرموزی کرد ، دود های فرارفته بر شانه های شهر را برایم نشان داد وبار دیگر خندید. درمیان خنده های موهوم وگنگش نمی داتم چه چیزی را دیدم که ناگاه بی اختیار خندیدم . لختی بعد به خود آمدم. خندیدن برای چه؟ آخر این شهر ، این خانه های گلین، این آدمهای سرگردان سالهاست درزیر قمچین روزگار درد می کشند و زندگی می کنند ، درد می کشند و گریه می کنند، برای چه بخندم .

گویی ذهنم را خوانده بود. به درخت تکیه کرد . درخت در نظر من مفهومی جدید یا فته بود . به من گفت ، این درخت سرانجام مرا می کشد.

حالت آشفته و نزارش مرامی کشد . بگذار ازاین مصیبت غمناک بگریزم . بگذار از این مصیبت غمناک بگریزم بگذار ...

دود ها آرام آرام فضای شهر را پر می کردند 'دیو' ها و 'پلید تر از دیو ها' می آمدند ودرخت همچنان غمناک دستهایش را ، شاخهای سوخته اش را به آسمان بلند کرده بود، گویی از آفتاب چیزی می طلبیست، مانند برگ وچیزی دیگر، مانند ساقه های نازک شاخهایش وچیزی دیگر مانند تازگی که به درون ساقه ها و تنه و شاخه هایش تاریشه بدود .

●●●

اینک سالهای چندی از آن روز گار غم آلود می گذرد. وقتی اندیشه می کنم ، وضعیت چندان د گرگون نشده است . محلهٔ مان دردور دست شهر و در دامنه های کوه همچنان ویرانه و مخروبه پا بر جاست ،بی حیات وبی رمق و دراین گوشه، این درخت، تنها تکیه گاه آدمی مانند من است که هنوز قادرم ببینم ونفرین کنم .

زمستان ١٣٨٠ ده افغانان- کابل

ادبیات داستانی معاصر افغانستان

در گفتگو با استاد رهنورد زریاب

مصاحبه کننده: محمد اسحاق فایز



ادبیات داستانی ما با استقلال افغانستان آغاز می شود

۲

وضعیت کنونی ادبی وداستان نویسی را درافغانستان چگونه می بینید ؟

- درافغانستان وضعیت ادبی خوب است . به خصوص شعر ما و می توانیم بگوییم در یک حد عالی رسیده است. ما امروز شاعرانی درافغانستان داریم که بدون مبالغه سروده های شان با سروده های شاعران طراز اول ایران همسری می کند . ولی متأسفانه دربخش داستان نویسی ، می توانیم بگوییم که هنوز هم با نوعی بنبست روبرو هستیم. ما نتوانستیم آثاری پدید بیاوریم که به اصطلاح یک "حادثه" باشند. درایران آثار داستانیی پدید آمدند که هرکدام آن ها را ما می توانیم یک "حادثه" ادبی بشمار بیاوریم، اما درافغانستان ادبیات داستانی هنوز درمراحل ابتدایی قرار دارد و آنچه تلخ تر است این که ادبیات داستانی امروز ما حتی درمقایسه با ادبیات داستانی ما درنیمهٔ دوم دههٔ شصت یک نوع افت و سقوط را نشان می دهد.

می خواهم مشخص تر بپرسم که دراین زمینه دلیلی می یابید که با وصف این که سه دههٔ اخیر از لحاظ سوژه و موضوع درافغانستان به اصطلاح بسیار فورانی بوده، چه دلیل شده که درافغانستان چنین وضعیت به وجود آمده است ؟

- ببینید، موجودیت سوژه کافی نیست . غالباً سوژه ها سالها بعد ازآن که واقعیت رخ داده در داستان تجلی می کند. به طور مثال، شما ببینید ناپلیون درسال ١٨١٢ به روسیه حمله می کند ،اما تولستوی "جنگ وصلح" خود را که همین حادثهٔ حملهٔ ناپلیون به روسیه است، سال ها بعد ازاین می نویسد. به همین ترتیب شما حوادث جنگ جهانی دوم را دراروپا سال ها بعد می بینید که در ادبیات اروپا باز تاب می یابد. پس تنها موجودیت سوژه ها کافی نیست . عوامل دیگری باید موجود باشد که ادبیات داستانی، حوادث تاریخی را باز تاب بدهد. به عقیدهٔ من یکی از عوامل افت و سقوط ادبیات داستانی درافغانستان امروز، مصروفیت های نویسنده هامی باشد به کار های دیگر . چنان که شما می فهمید، بهترین نویسندگان داستان ما امروز در مؤسسات خارجی به کار پرداخته اند و این ها فرصت کافی دراختیار ندارند که به کار داستان نویسی که مشغلهٔ اصلی شان است بپردازند .

از سوی دیگر فضایی به وجود آمده که ارزش گذاری به کارهای ادبی بسیار کم شده است، درحالی که درنیمهٔ دوم دهه شصت، دستگاه های دولتی به کارهای ادبی فراوان ارج می گذاشتند . مثلاً شما ببینید که جایزه ها وجود داشت . تقریباً در هر هفته و یا پانزده روز یک محفل ادبی برگزار می شد، یا سمینار ها برگزار میشد ، کنفرانس ها برگزار می شد ،القابی به وجود آمده بوداز جمله "کارمند شایستهٔ فرهنگ" که با خود یک امتیاز مادی داشت که هر کس این لقب را می گرفت تا آخر عمر از یک معاش برخوردار می بود . چنان چیزهایی حالا در افغانستان نیست . هیچ گونه عامل مشوق برای نویسنده وجود ندارد. حال اگر نویسنده یی پنج جلد رمان بنویسد، هیچ کس حاضر نیست که این رمان ها را به چاپ برساند . نویسنده باید از پول شخصی خود آنها را چاپ کند. درحالی که در نیمهٔ دوم دههٔ شصت، مؤسسات ونهاد های مختلف وجود داشتند که آثار نویسندگان را چاپ می کردند و حق الزحمهٔ خوب هم می پرداختند .

شما از چهره های معاصر ادبی افغانستان به کی بیشتر نظر دارید وکه را زیاد می پسندید ؟

- من فکر می کنم استعداد های خوبی وجود دارد درافغانستان.این استعداد ها البته نشان دادندباکار خود که استعداد هایی اند که آدم می شود سر آنها حساب کند از جمله خالد نویسا ، رزاق مأمون ، حمیرا رفعت ، مریم محبوب ، حسین فخری ،آمنه محمدی، معصومه کوثری،صدیقه کاظمی، شفیق نامدار،شفیق پیام،آصف سلطان زاده ،جواد خاوری، تقی واحدی، سید اسحاق شجاعی، پروین پژواک وشریفه شریف علی پیام. سوگ مندانه باید بگوییم که بسیاری این ها به کار هایی امروز سرگرم هستند که این کار ها آنها را از کار های آفرینشی باز می دارد .

کار های تازه خود تان در داستان نویسی چه است؟

- من درحال حاضر چند رمان نیمه تمام دارم. یکی از آنها "سیب و ارسطا طالیس" نام دارد که یک بخش آن در مجلهٔ "نقد و آرمان" درامریکا به چاپ رسیده و فراوان از طرف حلقه های فرهنگی ما استقبال شده است.یک رمان دیگر دارم بنام "راز های دایهٔ پیر" یک بخش آن را اگر به یاد داشته باشید، دریک محفل خواندم و از تلویزیون هم پخش شد. یک رمان دیگر هست بنام "سکه یی که سلیمان یافت" . یک بخش از این هم در شمارهٔ دوم "پرنیان" به چاپ می رسد و یک رمان دیگر هم هست بنام "سرانجام آقای سحر خیز بیدار می شود" که من دراین اواخر به این نتیجه رسیده ام که باید همین رمان "سرانجام آقای سحر خیز بیدار می شود" را تکمیل کنم و به چاپ برسانم.

کدام دلیلی وجود دارد برای تأخیر درنگارش و تکمیل کردن این رمان ها ؟

- من فکر می کنم یک مقدار عوامل روانی است. مثلاً وقتی من رمان "سیب وارسطا طالیس" را شروع کردم ، بسیار خوب پیش رفت ،اما در میانهٔ کار بود که رمان "راز های دایهٔ پیر" به سراغم آمد ، واین رمان از نظر روانی برمن مسلط شد و باعث شد که "سیب و ارسطاطالیس" را نیمه کاره بمانم و بپردازم به "راز های دایهٔ پیر". "راز های دایهٔ پیر" هم خوب پیش رفت که ناگهان "سرانجام اقای سحر خیز بیدار می شود" به سراغم آمد واین بسیارمرا رنج می داد و من ناگزیر شدم آن را نیمه تمام بگذارم و بپردازم به "سرانجام آقای سحر خیز بیدار می شود" واین بسیار پیش رفت کرد حتی می توانم بگویم که یک ثلث آن کاملاً نوشته شده اما باز هم ناگهان "سکه یی که سلیمان یافت" به سراغم آمد و آن را آغاز کردم. درنتیجه همه این رمان هانا تمام ماندند ، ولی یک شب این رمان "گلنارو آیینه" آنقدر بر من فشار آورد که ساعت سه شب بیدار شدم و شروع به نوشتن کردم و در ظرف ده روز این رمان تکمیل شد.

عوامل عینی هم وجود دارد که مانع تکمیل آثار من شده است. درحال حاضر من دراین دفتر آنقدر مشغول هستم که فرصت این نیست که من یک سطر نوشته کنم. حتی نامه هایی که به من می رسد به سختی می توانم آن نامه ها را جواب بدهم و امروز یک تعداد زیاد نامه های بی جواب در خانه دارم و نتوانسته ام به آن ها جواب بدهم ،

فکر نمی کنید که گذشت زمان و تأخیر درنگارش هریک ازاین رمان ها که کارشان نا تکمیل مانده ، روند اصلی نگارش داستان هارا متحول ومتغیر بسازد؟

> **به عقیدهٔ من یکی از عوامل افت و سقوط ادبیات داستانی درافغانستان امروز، مصروفیت های نویسنده هامی باشد به کار های دیگر**

- چرا !چرا! حتماً تغییر می دهد وحتی ممکن است که همان رمان تاآخر ناتمام بماندو به اتمام نرسد . بسیاری از نویسنده ها هستند درجهان که رمان هایی از آنها نا تمام مانده است .

رمان "گلنار و آیینه" درحلقات فرهنگی مورد نقد واقع شد، شما کدام نقد را بر آن وارد می دانید؟

- من فکر می کنم و در یک مصاحبهٔ دیگر خودهم گفته ام که خوشبختانه رمان "گلنار و آیینه" باز تاب بسیار وسیع داشته و نقدهای فراوان درمورد آن مخصوصاً در بیرون از مرزها نوشته شده است. به عقیدهٔ خود من بهترین نقدی که درمورد "گلنار و آیینه" نوشته شده است، نقد بابا کوهی است که در "زرنگار" چاپ شده و در سایت انترنتی هم وجود داشته است. واخیراً هم نعمت حسینی ، یک نقدی نوشته که از دیدگاه فلسفی وسبک شناسی "گلنار وآیینه" را مقایسه کرده با "بوف کور" صادق هدایت به خاطر این که فکری وجود داشته که گویا بین "گلنار و آیینه" و "بوف کور" همانندی هایی وجود دارد و این ها با هم شبیه اند . تلاشی که نعمت حسینی کرده که از نظر سبک شناسی و نگرش های فلسفی ثابت کند که "بوف کور" و "گلنار و آیینه" کاملاً در دو قطب مخالف هم قرار دارند و هیچ گونه همانندی بین اینهاوجود ندارد .

همان گونه که شما فرمودید ، عمر داستان نویسی ورمان نویسی درافغانستان بسیار کوتاه است، می شود بپرسم که ما چرا رمان نویس نداریم ؟

- جالب است. شما می دانید که در اروپا ادبیات داستانی با رمان آغاز شد و داستان کوتاه دراروپا یک پدیدهٔ نواست؛ یعنی تمام آثار داستانی نخستین دراروپا رمان ها بوده اند . بعداً دراواخر قرن ١٩ داستان کوتاه پدید می آیدیعنی داستان کوتاه پدیدیی نسبتاً تازه است.

درافغانستان هم ادبیات داستانی رمان گونه ها آغاز می شود . طوری که گفتم پنج اثر داستانی اولیهٔ ما رمان ها اند. بعد آهسته آهسته داستان کوتاه جای رمان را می گیرد. داستان کوتاه به خاطر این درافغانستان رواج یافت که درافغانستان بنگاه های نشراتی وجود نداشت که رمان راکه غالباً به شکل کتاب می باشد ، چاپ کند، یعنی رمان بازار نداشت، درحالی که داستان کوتاه می شد در مجله ویا در روزنامه به چاپ برسد . یکی از عوامل می تواند همین باشد و عامل دوم تسلطی بود که داستان کوتاه بر ادبیات داستانی جهان به دست آورده بود. تنها درفرانسهٔ امروز داستان کوتاه چندان رواج ندارد . سرزمین اصلی داستان کوتاه کشورهایی غیر از فرانسه مخصوصاً ایالات متحدهٔ امریکا است . اما از آغاز قرن بیست بدین سو داستان کوتاه یک نوع تسلط پیدا کرده در ادبیات ، و نویسنده های ما که با داستان های کوتاهی که درایران ترجمه می شدند، آشنایی پیدا کرده بودند بیشتر به داستان کوتاه توجه کرده اند .

ازداستان های کوتاهی که توسط داستان نویسان افغانستان نوشته شده اند، چند نمونهٔ خوب ان را نام ببرید ؟

- بلی ما نویسنده های خوبی درزمینهٔ داستان داشته ایم . محمد حسین محمدی ، علی پیام ، درایران سلطان زاده مخصوصاً که او در سطح اروپا معروف شده است . عتیق رحیمی که در فرانسه زندگی می کند وکتاب "خاک و خاکستر" او فکر می کنم به نزده زبان ترجمه شده و از آن فیلم هم ساخته شده است . این ها هستند و آدم به آنان امیدوار بوده می تواند. در بیرون از افغانستان نویسنده های دیگری هم هستند که آدم می تواند به آنها امیدوار باشد . ازجمله مریم محبوب که در کانادا زندگی می کند.

- پیشنهاد تان برای داستان نویسان افغانستان چه است ؟

- اگر بگویم که پیشنهاد من این است که بیشتر کار بکنند شاید به من بگویند، خودت چرا کار نمیکنی؟

و حرف آخر تان ؟

- حرف آخرم این که امید وارم ادبیات داستانی درافغانستان پایه بگیرد و غنای لازم را به دست بیاورد.

آیا گروه ایدیما ...

آیا نیروهای آیساف آنقدر بی نظمند که به دنبال هرکس بدون تشخیص هویت وی به راه می افتند؟

ایدیما خود را یک قربانی می داند که مقامات امریکایی برای یک هدف دیگر از وی چشم پوشیده اند. اما این هدف دیگر چه می تواند باشد؟

شریف بسونی نمایندهٔ خاص دبیر کل سازمان ملل متحد در مورد حقوق بشر در افغانستان، ضمن ابراز نگرانی از وضع زندانیان افغان در زندان های نیروهای امریکایی در بگرام و قندهار، خواهان بررسی وضع این زندان ها گردید اما این خواست وی از جانب فرماندهی نیروهای ائتلاف در افغانستان رد شد. سخنگوی نیروهای ائتلاف در توجیه رد این خواست گفت که به شریف بسونی صلاحیت بازدید از زندان های بگرام و قندهار داده نشده است. این سخن به آن معناست که سازمان ملل متحد صلاحیت ندارد تا این زندان ها را مورد بررسی قرار دهد.

بسونی گفت که افغانستان کشوری مستقل است و دیگران حق ندارند تا اتباع این کشور را بدون توافق با دولت مرکزی دستگیر کنند. فرمانده نیروهای ائتلاف در جواب گفت که این دستگیری ها بر اساس توافقی که میان آنها و رئیس جمهور کرزی بعمل آمده است صورت می گیرد اما وی در مورد جزئیات این توافق سخنی نگفت.

دراین جا یک سؤال دیگری نیز مطرح می شود: در حالی که نیروهای ائتلاف بین المللی در مورد صلاحیت نمایندهٔ دبیر کل سازمان ملل متحد در مورد حقوق بشر در افغانستان معلومات دارند چگونه در مورد صلاحیت ایدیما و گروه تحت فرمان وی چنین معلوماتی را نداشته و در هر عملیات به دنبال وی به راه می افتاده اند؟

شریف بسونی که در مورد وضع زندانیان در افغانستان تحقیق می کند، از دولت افغانستان نیز تقاضا نمود تا زندانیان محبس شبرغان را که اکنون به کابل منتقل شده اند از حبس رها کند. مسئولان دولت افغانستان به وی گفته اند که نیروهای ائتلاف به آنان اجازهٔ آزادی این زندانیان را نمی دهند. فرماندهی ائتلاف این ادعا را رد کرده و آزادی آنان را مربوط به تصمیم دولت کابل دانسته است.

با توجه به جریات فوق چنین به نظر می رسد که هیاهو و سروصدای زندان خصوصی ایدیما به گمان اغلب برای سرپوش نهادن به مسایلی باشد که به زندان های دیگر در افغانستان رابطه می گیرد وشاید گروه ایدیما برای جلوگیری از ماجرایی چون زندان ابوغریب در عراق قربانی شده باشد.البته در این میان پای کسانی چون قانونی را به میان آوردن نیز بدون برنامه نخواهد بود.

کاندیداهای ریاست جمهوری وبرنامه های آنان

عبدالحفیظ منصور وبرنامهٔ سیاسی او

درشمارهٔ هفدهم مؤرخ ۷ اسد به آگاهی همگان رسانیده بودیم که همهٔ کاندیدا های ریاست جمهوری می توانند فشردهٔ زندگی نامه وبرنامهٔ عمل خویش را با پرداخت هزینهٔ چاپ جهت نشر درنشریهٔ مجاهد به ادارهٔ این نشریه بفرستند، اینک در این شماره فشردهٔ زندگی نامه وبرنامهٔ عمل محترم عبدالحفیظ منصور را که به ادارهٔ جریده مواصلت ورزیده است می خوانید. البته نیازی به تکرار ندارد که این کار مجاهد به معنای تأیید جمعیت از این کاندیداها نیست، تنها با این کار مجاهد می خواهد در روند انتخابات و آگاهی دادن به مردم در بارهٔ فراز وفرود آن سهم بگیرد.

فشردهٔ زندگی نامهٔ

نام: عبدالحفیظ منصور
نام پدر: محمد حسین
سال تولد:١٣٤٢هـ.خ
محل تولد: منطقهٔ رخه، ولایت پنجشیر
تحصیلات عالی: دانشکدهٔ ژورنالیسم ، بخش روزنامه نگاری و مطبوعات، دانشگاه کابل

فعالیت سیاسی:

١- درآغازجهاد، عضویت در جمعیت اسلامی افغانستان.
٢- فعالیت دربخش های فرهنگی.
٣- کارمند در دفتر سیاسی جمعیت اسلامی (از سال ١٣٦٥- ١٣٦٨).
٤-عضو انجمن نویسندگان و سخنوران جمعیت (از سال ١٣٦٨ - ١٣٧١هـ).
٥- مدیر مسؤول هفته نامهٔ مجاهد ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
٦- رئیس کمیتهٔ فرهنگی جمعیت اسلامی افغانستان.
٧- نمایندهٔ منتخب شهر کابل در لویه جرگهٔ اضطراری (١٣٨١).
٨- نمایندهٔ منتخب شهر کابل در لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی (١٣٨٢).



٩- در حال حاضر مدیر مسؤول هفته نامهٔ پیام مجاهد.

وظایف دولتی:

١- رئیس آژانس باختر (از سال ١٣٧١- ١٣٥٧هـ).
٢- مسؤول کمیتهٔ فرهنگی جبههٔ مقاومت (از سال ١٣٧٥-١٣٨٠هـ).
٣- سرپرست وزارت اطلاعات وفرهنگ (پس از سقوط طالبان) در سال ١٣٨٠هـ
٤- رئیس عمومی رادیو تلویزیون افغانستان (١٣٨٠- ١٣٨١).

آثار وتألیفات:

١- پنجشیر در دوران جهاد.
٢- پیروزی مشت بر شمشیر.
٣- قیام و مقاومت در افغانستان.
٤- زخم خونین (تحولات نظامی جهاد افغانستان).
٥- بهای آزادی.
٦- نهضت اسلامی افغانستان.
٧-فاتح جنگ سرد (زندگینامهٔ احمد شاه مسعود "رح").
٨- کرزی ناخوانده امضا می کند.

سفر های خارجی:

پاکستان ، ایران ، کویت ، امارات متحده عربی، عربستان سعودی ، مصر ، لیبیا، تاجیکستان، ازبیکستان، ترکیه ، یونان ، دنمارک، انگلستان، جرمنی، امریکا، سویس، هندوستان و جاپان.

گفتنی است که معاون اول وی آقای سید اقبال منیب از ولایت سمنگان و معاون دومش آقای محمد ایوب قاسمی از ولایت غزنی می باشند.

افغانستان کشوری است که در درازنای تاریخ شکوه وعظمت ویژه یی داشته ومهد پرورش شخصیت های علمی وسیاسی نامداری به سطح منطقه وجهان بوده است. درتداوم این روند درسده های پسین ودر دودههٔ اخیر به مهدجهاد ومقاومت مبدل گردید وافتخارات وارزش های نابی را مسجل ساخت. درهمین دوران، توطئه ها ودسایس بزرگی نیز شکل بست، طالبان ایجاد شد وارزش ها مسخ گردید.

تا آنجا که درحال حاضر اگرجهانیان چیزی دربارهٔ این کشورمی دانند درزمینه های علمی وتوسعهٔ اقتصادی وسیاسی نیست، بلکه به موجب تجاوز ارتش سرخ به این سرزمین، سپس کشت خشخاش وکارکردهای متحجرانهٔ طالبان ومرکزیت القاعده است که از افغانستان درانظار جهانیان مرکز شروفساد ساخته وباشندگان این سرزمین را افرادی مقاوم، شجاع ودرعین زمان بی فرهنگ، شریر وآله دست بیگانگان جلوه داده است.

حادثهٔ ١١ سپتامبر، کشورهای قدرت مند جهان رامتوجه گردانید که بی توجهی به افغانستان می تواند، پیامدهای شوم ووحشتناکی برای آنها درپی داشته باشد، بنابر این ازآن به بعد افغانستان ازپهلوهای گونه گون درمحراق توجه جهانیان قرارگرفت وجامعهٔ جهانی جهت مبارزه باتروریزم به افغانستان نیرو فرستاد وبرای توسعهٔ سیاسی واقتصادی این کشور وجوه مالی مناسبی را سالانه درنظر گرفت.

این تحول که پس ازسالیان متمادی وپس ازپرداخت بهای گزافی ازسوی مردم افغانستان، رخ داده است، ایجاب می دارد؛ تا باشندگان این مرزوبوم نگذارند فرصت به دست آمده ازکف برود وافغانستان باردیگر به باد فراموشی سپرده شود. ازاین رو می سزد، ازشرایط موجود برای آبادانی کشور وایجاد یک نظام مردمی بهره گیری مناسب صورت گیرد.

به باورما دراوضاع واحوال کنونی پنج نکته زیرین می تواند، اساس کاربرای مردم افغانستان باشد:

١. توسل به مبارزهٔ سیاسی ومسالمت آمیز به جای مبارزهٔ مسلحانه وتلاش درجهت ایجاد نظام مردم سالار.

٢. توجه به تأمین امنیت وثبات درکشور ومخالفت باهرگونه اقدامی که امنیت راخدشه دارنموده وثبات را در کشور تهدید نماید.

٣. بهره گیری مناسب وقانون مند از توجه جامعهٔ جهانی درمورد افغانستان.

۴. توجه به رشد وتوسعهٔ هماهنگ درعرصه های اقتصادی، سیاسی، دفاعی، اداری وفرهنگی کشور.

۵. تأکید روی امکانات وتوانایی های درون کشور چه مادی وچه معنوی وبهره گیری ازمساعدت های جامعهٔ جهانی به عنوان نیروی پشتیبان ویاری دهنده.

باتوجه به نکات یادشده، مابدین باوریم که ازفرصت کنونی می بایست باتمام توان استفاده نمود ونبایدگذاشت این فرصت ازدست رود. اساسی ترین گامی که می باید، برداشت، تلاش مجدانه در راستای تشکیل حکومت مردمی است وبا این اقدام ضروری است، تا میان گذشتهٔ افغانستان وآیندهٔ آن خط فاصل ترسیم نمود. تشکیل یک دولت مردمی سنگ بنای توسعه وپیشرفت را درمجامع بشری می سازد واکنون که جامعهٔ جهانی از این مسأله پشتیبانی می کند، می باید ازآن بهره گرفت.

اسلام ودموکراسی

برداشت ما از دموکراسی آن است که مردم حق دارند، درتعیین سرنوشت شان سهم بگیرند واین سهمگیری ازتمرکز قدرت به دست یک فرد، یک خانواده ویک گروه جلوگیری می نماید ودرفرجام قدرت، مهارشده واثر خرابکارانهٔ خود را می بازد.

ازآنجایی که دموکراسی روش مهارکردن قدرت است؛ از این رو ساختاری را که دموکراسی با توجه به فرهنگ های متفاوت به میان می آورد، یکی نیست، بلکه انواع ساختار هارا دارد که نمونه های آن را درکشور های مختلف می توان مشاهده نمود.

شماری لیبرالیسم را که نوعی فلسفهٔ اجتماعی است، با دموکراسی به اشتباه می گیرند ودر فرجام دموکراسی را درجبههٔ مخالف اسلام قرار می دهند وبدین ترتیب کشمکش برپا می کنند. واقعیت این است که نه اسلام ونه دموکراسی ساختار واحدی را برای ادارهٔ امور واعمال قدرت تأکید نمی دارند، بلکه اوضاع وشرایط تاریخی وفرهنگی را قدر نموده وازساختار مناسب به اوضاع وشرایط پشتیبانی می کنند. آنچه درهمه شرایط ثابت است، احترام والتزام به کرامت انسانی است که نتیجهٔ آن رأی وارادهٔ مردم می باشد که بدون آن مشروعیت سیاسی پانمی گیرد.

درافغانستان آسان ترین راه برای ایجاد نظام مردمی بهره گیری از دساتیر دینی است که تجارب بشری آن را نیز تأیید می کند واین راه هیچ گاه برخورد وستیز را مجازنمی شمارد. حذف کردن ونادیده گرفتن هیچ طرف را جواز نمی دهد. اسلام دائرهٔ فراخ تری نسبت به دموکراسی برای تأمین عدالت درجامعه دارد، با این تفاوت که نصوص دینی کلیات مسأله را بیان می دارد، ازهدف وغایهٔ حکومت می گویدوآموزه های بشری، جزئیات بیشتری برای تطبیق نظام مردمی دراختیار مان قرار می دهد.

به نظرما آنهایی که فکر می کنند، از راه دین زدائی وجهاد ستیزی می توانند، مردم سالاری را درافغانستان پیاده نمایند ویک نظام مردمی وعدالت پسند را درکشور تطبیق نمایند. به جای برقراری نظام مردمی امنیت وثبات را نیزدرکشور به مخاطره می افگنند.

باورما این است که بدون احترام ورعایت احکام دین اسلام نمی توان درافغانستان پیشرفتی رادرعرصه های سیاسی واجتماعی سامان داد وتجارب دهه های پسین دراین کشور به خوبی نشان داده که تلاش های دین ستیزانه، فاجعه باربوده است.

دین مقدس اسلام نه تنها رهنمود زندگی مردم ماست وایمان به احکام این دین آسمانی با خون ایشان عجین گشته است، بلکه مایهٔ افتخارات این سرزمین ویگانه عامل انسجام وهمبستگی اقوام ساکن کشور نیز می باشد؛ بنابر این هرگونه تلاش های دین ستیزانه در این سرزمین زیان های بس بزرگی را تحویل مردم مان می دهد. همچنان جهاد و مقاومت مردم افغانستان، واقعیت شکوهمندی است که مردمان عدالت پسند در سراسرجهان به آن اعتراف دارند وفداکاری های مردم افغانستان را تمجید می نمایند. این جهاد و مقاومت متعلق به کدام قوم وگروه خاصی نیست، کلیه باشندگان افغانستان درآن سهیم بوده وبه آن می بالند؛ ازاین روقدردانی از جهادگران ازسویی وجیبهٔ دینی مسلمانان است، وازسوی دیگر مسؤولیت وطنی نیز به حساب می آید.

حقوق بشر

پایه واساس دید ما را نسبت به حقوق بشر، تعالیم اسلامی تشکیل می دهد؛ ازآنجایی که درقرآن انسان خلیفهٔ خدا در روی زمین و موجودی مکرم خوانده شده وهمهٔ امکانات دیگر درخدمت او قرار داده شده است.

دراسلام تبعیض وبرتری جویی قومی، نژادی وزبانی کفرخوانده شده است. همه دربرابرقانون مسؤولیت یکسان دارند وارزش حیات یک انسان بدون هرگونه ملاحظه یی برابربا زندگی تمام بشریت می باشد.

رعایت حقوق بشر ازنگاه ما تنها احترام به قراردادهای بشری نیست، بلکه فراتراز آن احترام به انسانیت وتن دادن به دساتیر الهی است؛ لذا دولت مسؤولیت دارد؛ تا سازمان های مستقل دفاع ازحقوق بشررا حمایت کند وشرایطی باید مساعد گردد؛ تا حق زندگی، حق آزادی عقیده وبیان، حق کار، تأمین معیشت، حق مسکن وحق فعالیت سیاسی براساس قانون نهادینه گردد.

درجامعهٔ اسلامی دفاع از سلامت فرد وخانواده وجیبهٔ همگانی ودولت است، از این رو هرامری که سلامت جسمی وعقلی انسان ها را تهدید نماید، ایجاب مبارزه ومجادله را می نماید. مبارزه با موادمخدر از این منظر برای ما قابل بحث است. ازآن گذشته هیولای موادمخدر، پدیدهٔ ناامنی وبی ثباتی را باخود دارد وبه اعتبار وحیثیت افغانستان درسطح جهانی به شدت آسیب رسانیده است وباید ریشه کن گردد.

نابودسازی پدیدهٔ هولناک موادمخدر درافغانستان مبارزهٔ قاطعی می طلبد وهرگز باشعار وتشریفات نمی توان ریشهٔ این بلیه را قطع کرد.

بسیج همگانی دربرابر تروریسم

مسألهٔ تأمین امنیت از بالاترین اهمیت برخورداراست واین مأمول بدون بسیج همگانی دربرابر تروریسم- که هم اکنون امنیت کشورمان را تهدید می دارد- میسرنخواهد بود. طرح بسیج همگانی دربرابر تروریسم ازما می طلبد؛ تا مبارزه دربرابر تروریسم را ازحالت محض نظامی بیرون آورده وآن را به عرصه های سیاسی، اجتماعی وفرهنگی توسعه بخشیم.

ما فکر می کنیم، برای جلوگیری از مداخلات کشورهای همسایه وتأمین امنیت وجود نیروهای بین المللی تا زمان روی پا ایستادن قوای نظامی وانتظامی در کشور ضروری است؛ اما این حضور باید درچارچوب قانون ومقررات بین المللی بوده باشد؛ تا مفهوم حاکمیت ملی درافغانستان تحقق یابد.

طی دوسال ونیم پسین اتکای یک جانبهٔ دولت برنیروهای خارجی سیاست درستی نبوده است. ازیکسو این اتکا، دولت رادر ایجاد قطعات نظامی وانتظامی تنبل وبی اعتنا گردانید. ازجانبی هم استقلال دولت افغانستان را زیر سوال برد وبه حلقات جنگ افروز وآشوب طلب این بهانه رافراهم آورد؛ تا کسانی را برای برهم زدن اوضاع امنیتی استخدام وتحریک نمایند.

به عقیدهٔ ما تأمین امنیت سراسری در افغانستان از توان نیروهای خارجی بیرون است واین امر تنها در اثر مساعی مشترک نیروهای مسلح کشور وقوای خارجی می تواند جامهٔ عمل بپوشد. نیروی مطمئنی که می تواند دربرابر گروه های تروریستی مقابله نماید، مجاهدین اند ودولت به جای استفاده از این نیروی بزرگ وآزموده درجهت تأمین امنیت، برخلاف پیوسته درجهت تضعیف آن کوشیده است.

همچنان تاریخ افغانستان نشان داده که باشندگان این مرزوبوم در برابر فرهنگ واعتقادات خویش دلبستگی محکمی دارند وهرگونه کم بهادادن به این مسأله می تواند آسیب شدیدی به صلح وامنیت در افغانستان وارد آورد؛ از این رو نباید در برابر تلاش های دین ستیزانهٔ شماری از کسان ساکت وخاموش نشست.

همه آگاهی دارند که حلقات تروریستی برداشت های ویژه یی ازاسلام دارند ودر این راه آمادهٔ قربان کردن خود نیزاند؛ از این رو کسانی که با افکار سکولاریستی می خواهند، با پدیدهٔ تروریسم برخورد نمایند، تجربه نشان داده است که راه اشتباهی را می پیمایند ودر واقع با این اقدامات خود تروریسم راتقویه می نمایند.

نظرما این است که تنها نگاه اعتدالی به اسلام درافغانستان می تواند، دسته های افراطی را مهار نماید وحامیان بین المللی شان را از تحرک باز دارد. براساس این نظر انچه دولت انتقالی افغانستان درمواجهه باتروریسم انجام داده، به نفع تروریسم بوده است نه به زیان آن.

تأمین امنیت درافغانستان باتأمین عدالت رابطه تنگاتنگی دارد؛ تازمانی که دولت عدالت رادر امر بازسازی کشور وتوظیف مأموران ملکی ونظامی مراعات ننماید، دولت قادر به جلب اعتماد مردم نشده وامنیت درکشور بر قرار نمی گردد. باورما این است که با توسل به زور هرگز نمی توان امنیت رادر کشور برقرار نمود.

گروه های دهشت افگن از برون به افغانستان رخنه می کنند؛ لذا برای تأمین امنیت، کشور به یک سیاست خارجی دقیق نیاز مند می باشد، نه آن گونه که روزی سخن از "غیرت افغانی" زده آید و روز دیگر رئیس دولت از پاکستان معذرت خواهی نموده ومردم خودرا "اوباش" بنامد.

نظام سیاسی

باتوجه به تعدد قومی، زبانی ومذهبی درافغانستان، نظام پارلمانی، برای ما یک نظام دلخواه است واز راه های قانونی برای رویکار آوردن آن تلاش خواهیم نمود؛ اما درحال حاضر ناگزیریم تا قانون اساسی را مدنظر داشته باشیم.

برای جلوگیری ازتمرکز قدرت در دست یک فرد وشریک ساختن نهادهای دیگر مناسب آن خواهد بود که معاونان رئیس جمهور دارای صلاحیت اجرایی باشند، به گونه یی که قابل برگشت نبوده باشد. به طورمثال معاون اول می تواند، رئیس شورای وزیران ومعاون دوم، مسؤول امور پارلمانی، معاون سوم، مسؤول امورعلمی وفرهنگی ومعاون چهارم مسؤول بخش مناسبات بین المللی بوده باشد.

درحرف، همگان ایجاد یک دولت مقتدر ونیرومند را درکشور به صلاح می شمرند؛ اما از این مساله دوتعبیر متفاوت وجود دارد، گرچه بعضی ها دولتی را که درآن قدرت به طور متمرکز دردست یک فرد بوده باشد، مقتدرمی نامند، ولی به عقیدهٔ ما به هرپیمانه یی که دولت مرکزی ازحمایت مردم برخوردار باشد، دارای توان وقدرت بیشتر خواهدبود

ص۷

عبدالحفیظ منصور وبرنامه ...

بنابر این بدون مشارکت مردم نمی توان به این امر نایل آمد. به نظرما مردم بایست درتعیین مسؤولان شهر وولایت خویش سهیم بوده باشند، نه این که تنها بعد از پنج سال فراخوانده شوند وباقی اوقات درگرو رأی خود گیر باشند. از این روست که از نامزدی والی ها توسط شورای ولایتی ومنظوری آن به وسیلهٔ رئیس جمهور پشتیبانی می داریم واین امر را وسیلهٔ پیوند میان مردم ودولت می شماریم.

وقتی از نظام پارلمانی سخن می گوییم منظور ما این است که مردم درتعیین مسؤولان امور دولتی سهیم بوده وبه طور دوامدار کارکردهای آنان را زیر نظر داشته باشند وبه سخن دیگر بتوانند تادرصورت تخلف دست اندرکاران کشور، آنان را مورد استیضاح قرار داده ودرصورت لزوم از کاربرکنار نمایند.

وقتی سخن از تشکیل پارلمان مقتدر می رود، معنی اش طرفداری از قوم وگروه ومذهب معینی نیست، بلکه جانبداری ازهمهٔ مردم افغانستان است، زیرا در پارلمان تمام باشندگان کشور می توانند، نماینده داشته باشند وخواست خودرا مطرح کنند. اگر حکومت در برابر نمایندگان مردم پاسخگو باشد، نتیجه آن خواهد بود که وزیران همیشه برای جلب رضایت مردم خدمت نموده وبرعکس اگر پارلمان صلاحیت نظارت نداشته باشد، هر وزیر همیشه برای خشنودی رئیس جمهور خواهد کوشید، نه درجهت خدمت به مردم.

مشکل افغانستان ازناحیهٔ نبود دولت نیست، چه افغانستان همیشه دولت داشته است، اما همیشه فاقد یک زعیم منتخب از سوی مردم بوده است که هیچ گاه در برابر مردم احساس مسؤولیت نکردند و به گونه یی بی حدوحصر امر ونهی روش تنها مورد پسند کسانی می باشد که نمی خواهند درافغانستان دولت سامان بگیرد ومردم افغانستان روزی روی پای خود بایستند.

برای تأمین امنیت واستقرار صلح، گردآوری سلاح های سنگین وبه کارگیری آن ها در ارتش ملی یک امر کاملاً ضروری است؛ اما سلاح های سبک در دو مرحله می تواند جمع آوری گردد. مرحلهٔ نخست در محلات و مرحلهٔ بعدی در دیپوهای دولتی.

به سخن دیگر، مردم باتوجه به خطراتی که ازجانب کشورهای همسایه متوجه افغانستان است ومصایبی که مردم مان از این ناحیه متحمل شده اند، ازتحویل دهی سلاح شان به دولت نگرانی دارند. سیاست تجاوز کارانهٔ برخی همسایگان هنوز در قبال افغانستان تغییر نیافته است؛ بنابر این مردم مان ازتحویل دادن سلاح شان ابا می ورزند، زیرا تا هنوز ارتشی که اطمینان مردم را کمایی کرده باشد. وجود ندارد وازهمین روست که برنامهٔ جمع آوری سلاح درافغانستان باوجود تبلیغات فراوان موفقیت لازم را نداشته است.

در دورهٔ اول دولت ناگزیر است تا طرح دفاع ملکی را به رسمیت بشناسد به گونه یی که سلاح ها درمحلات، نزد افراد با اعتبار منطقه جمع آوری گردد واین افراد در وزارت دفاع ثبت گردند وبحیث کارمندان رسمی وزارت دفاع معاش ماهوار دریافت نمایند.

با این شیوه دردرگیری های داخلی ازسلاح استفاده نشده؛ اما مردم اطمینان می یابند که درصورت وقوع تجاوز خارجی درنزدیک ترین محل سلاح در اختیار خویش دارند. این طرح برای یک دورهٔ چند ساله می تواند مفید باشد و راه را برای جمع آوری اسلحه در انبار های دایمی هموار می سازد.

فعال کردن فابریکات دولتی، اولویت دادن به مجاهدین درامر استخدام در این فابریکه ها باتحویل دادن یک میل سلاح، راه مؤثری برای جمع آوری سلاح نمودند، که ثمرهٔ آن را هریک ما می بینیم.

همچنان دریک نظام پارلمانی اعمال نفوذ کشورهای بیگانه دشوار می گردد؛ زیرا برای هردولتی دشوار است که کلیه نمایندگان مردم را قانع ومطیع دساتیر خود گرداند، درحالی که درنظام ریاستی قدرت در دست یک فرد تمرکز یافته وکشورهای خارجی به سهولت می توانند، اورا تحت کنترول درآورند واهداف خویش را توسط آن شخص در افغانستان پیاده نمایند.

مسألهٔ ملی

تأمین همبستگی وتفاهم میان باشندگان ساکن افغانستان ازضروریات اجتناب ناپذیر است. ضرورتی که همهٔ مان باگوشت وپوست کمبود آن را لمس می نماییم؛ اما بسیاری کسان از این واقعیت چشم می پوشند وشماری هم باخوشبینی ازوحدت ویکپارچگی میان ساکنان این مرز وبوم سخن می رانند.

حوادث سالیان پسین درافغانستان تنها زادهٔ مداخله وتجاوز کشورهای بیگانه نبوده است، بلکه عوامل دیگری دردرون کشور نیزموجود است که راه را برای دست درازی اجانب هموار نمود وتاهنوز ادامه دارد؛ لذا ایجاد فضای اخوت وبرادری درمیان شهروندان افغانستان ازوظایف اساسی دولت آینده می باشد. تازمانی که همهٔ باشندگان افغانستان احساس برابری وبرادری نکنند، درعمل این سرزمین را وطن مشترک خویش نخواهند شمرد ودولت را دولت خود نخواهند دانست، تاآن زمان منافع ملی شکل نمی گیرد واحساس کاروکوشش یاهمی برای رشد وشگوفایی افغانستان جوانه نمی زند ومسألهٔ پیشرفت خواهدبود. بهتر است این سلاح ها درهمانجا گردآوری گردد. وقتی افراد منبع مطمئن برای امرارمعاش پیدا نمایند، به ساد گی زند گی صلح آمیز را درپیش می گیرند وبا این شیوه، هم سلاح ها گردآوری می شود وهم سازندگی آغاز می یابد.

بخش اقتصادی

دربخش اقتصادی رفاه وآسایش مردم اصل است، بدین معنی که دولت مکلف است؛ تا برای بهترساختن زندگی مردم ازهیچ تلاشی دریغ نورزد.

دید ما این است که افغانستان بایستی ازمساعدت های بین المللی با دقت وحساب شده استفاده نماید ونگذارد این کمک ها حیف ومیل گردد. روشن است که این مساعدت ها برای همیشه نصیب مردم افغانستان نخواهد بود؛ بنابر این باید از این کمک ها به گونه یی کارگرفته آید که زیرساخت های اقتصادی را در این کشور سامان بخشد وبعداز آن مردم بتوانند، خود به زندگی خود رونق دهند وبه سوی رشد وتوسعه گام بردارند.

موقعیت جغرافیایی افغانستان به گونه یی است که آسیای میانه را به شبه قارهٔ پیوند می دهد وراه کوتاهی برای صدورکالاهای چینی به خاورمیانه می باشد. این موقعیت به افغانستان امتیاز آن را می دهد؛ تا به مرکز تجارت منطقه یی تبدیل گردد واز این ناحیه منافع بزرگ اقتصادی را نصیب شود.

افغانستان ازلحاظ منابع زیرزمینی یک کشور غنی است. همچنان درصورت مهار دریاهای آن، افغانستان را ازدرک موادغذایی درحد صادرکنندهٔ غله جات جا می دهد. توجه به این بخش برای افغانستان ازاهمیت زیادی برخوردار است.

مناظر طبیعی وآبدات تاریخی این کشور درصورتی که برنامه ریزی دقیقی روی آن صورت پذیرد، می تواند یک قلم خوب دیگر درآمد برای افغانستان بوده باشد.

توجه به جلب سرمایه گذاری های داخلی وخارجی درعرصهٔ توسعهٔ اقتصادی از ارزش فراوانی برخوردار است، دولت باید تسهیلات وتضمینات لازم را فراهم نماید؛ وترقی درافغانستان درحرف باقی می ماند.

درکشورهایی همچون افغانستان، نقش دولت ها برای ایجاد همبستگی وتفاهم میان مردم بسی برجسته است وبه نظرما اقدامات زیرمی تواند در این راستا مؤثر بوده باشد:

۱- برگزاری انتخابات سراسری در کشور.

۲- تأکید برای ایجاد قوای مقننهٔ نیرومند؛ تا جلو یکه تازی بخش اجرائیه را سدنماید وقوای اجرائیه مجری سیاست های منبعث از ارادهٔ مردم بوده باشد. به سخن دیگر تشکیل نظام پارلمانی در کشور.

۳- ایجاد قوای قضائیه مستقل به گونه یی که اعضای دادگاه عالی (ستره محکمه) برای بار اول از سوی شورای ملی انتخاب گردند و این اعضا رئیس خود را از میان خود بر گزینند.

۴- ایجاد ملت ازطریق یکسان سازی هویت اقوام وسعی برای همگانی کردن یک فرهنگ درسراسر افغانستان، تخم نفاق، بدبینی وکدورت رامی پاشد وبه جای همبستگی، اختلاف را درمیان مردم پهنا وژرفای بیشتر می بخشد؛ بنابر این درافغانستان تنها از راه پذیرش اصل تنوع فرهنگی، می توان به مقصد اتحاد ویکپارچگی نایل آمد.

۵- دولت می باید، گروهی از اندیشه ورزان ومصنحان را درچارچوب معینی توظیف گرداند؛ تا طورمنظم مسألهٔ ایجاد تفاهم وهمبستگی میان مردم افغانستان رایی گیری نمایند وبه بخش های مربوط اقدامات لازم را جهت اجرا پیشنهاد نمایند. تا سرمایه داران برای فعالیت درافغانستان تشویق گردند.

سالانه میلیاردها دلار ازافغانستان دربدل اجناس عادی به کشورهای همسایه سرازیرمی شود. دولت باوضع قوانین وفراهم سازی سهولت ها می تواند، به تولیدات داخلی بپردازد وازخروج پول جلوگیری بعمل آورد. درجهان امروز نیروی انسانی از ارزش فراوانی برخوردار است وخوشبختانه مردم مان به خاطر استعداد سرشارشان از این بابت مقام بالایی را دارا اند. پس ضروری است که دولت برای آموزش وتربیت این استعداد ها توجه نماید ودرفرجام، هم آبادانی کشور را سرعت بخشد وهم منافع هنگفتی را ازبیرون وارد کشور نماید.

بازار آزاد بحیث پیروزمندترین نظام اقتصادی در جهان شناخته شده است وافغانستان نیز می باید آن روش را به تجربه گیرد؛ اما در اوضاع واحوال کنونی رفتن به سوی بازار آزاد زیان های سختی را متوجه افغانستان ومردم آن می سازد، بنابر این تا رفتن به سوی بازار آزاد گام هایی را باید پیمود؛ تا زمینه مساعد گردد.

زیان هایی که از این ناحیه متوجه مردم ماست، عبارتنداز:

۱- تولیدات داخلی با فراورده های خارجی توان رقابت را نداشته ودرنتیجه فابریکات داخلی ما فلج گردیده ویا بدست شرکت های خارجی می افتد وکشور در دام خارجی ها می افتد.

۲- درحال حاضر که افغانستان خود تولید ندارد، اقتصاد بازار بی معنی است. زیرا اساس اقتصاد بازار را تنوع تولیدات ورقابت تشکیل می دهد، از این رو زمانی که تنها یک جنس دردسترس مردم قرار دارد، رقابت شکل نمی گیرد ومردم فرصت انتخاب را پیدا نمی کنند. ازهمین جاست که نرخ ها روزتا روز بالاتر می رود، بدون این که دولت تجویزی در این راستا اتخاذ نماید.

۳- فروش تصدی های دولتی به سرمایه داران، به تعداد بیکاران می افزاید، زیرا سرمایه داران بخواست خود کارگران را برمی گزینند. بدین ترتیب شرکت ها به

۶- ایجاد کمیسیون ملی انتخابات.

بخش معارف

پایهٔ پیشرفت و ترقی را در هر کشوری معارف آن تشکیل می دهد وبدون ارتقای سطح معارف نمی توان هیچ گونه پیشرفتی را در افغانستان انتظار داشت؛ بنابر این بهبود تعلیم و تربیه در کشور از اهمیت به سزایی برخوردار می باشد.

ارج گذاری به مقام معلم هم از جهت مادی و هم از نظر معنوی پیشرفت معارف را تضمین می نماید.

همچنان برای راه اندازی انقلاب فرهنگی در این راستا ایجاب می کند؛ تا همزمان مکاتب و مدارس مورد توجه قرار گیرد. اصلاح نصاب درسی در هر دو بخش به گونه یی که بتوانند در جهت هدف واحد یکدیگر را یاری رسانند، یک امر ضروری به حساب می آید.

تشدید و گسترش مبارزه با بی سوادی و بررسی زمینهٔ تعلیم و تربیهٔ زنان و دختران در گوشه و کنار افغانستان مسؤولیت جدی دیگر محسوب می شود؛ چه ایجاد دگرگونی در زندگی مردم بدون شرکت فعالانهٔ زنان میسر نیست.

برای بهتر ساختن وضعیت تحصیلات عالی، به صرفه آن است؛ تا افغانستان شماری از استادان خارجی را در رشته های مختلف به دانشگاه های افغانستان جلب نماید؛ تا بدین شیوه شمار بیشتری از محصلان بتوانند از علم و دانش بهره مند گردند.

ما فکر می کنیم، موفقیت در عرصهٔ معارف به میزان علاقه مندی و توانایی دولت در زمینه ارتباط می گیرد. لازم آن است تا دولت همهٔ کارگاه های فنی تر آید، توجه می دارند که درفرجام کارکنان خارجی جای کارگران افغانستانی را می گیرند وسطح بیکاری درافغانستان بالا می رود.

درعرصهٔ قضایی

درافغانستان قضا بیسترینه یک مقام تشریفاتی است وقضات به گونه یی دست نگر وگوش به فرمان مجریان امور اند.

گزینش قضات طور عنعنه یی ازگذشته های دور بدین سو توسط زمامداران صورت پذیرفته است ودرنتیجه قاضیان به جای این که درخدمت مردم باشند وحق مظلوم را ازظالم بستانند، همیشه درکنار زعما ایستاده اند. دردعاوی عادی به نحوی عدالت تامین می شود؛ اما دربرابر ظلم وبیداد کلان که ازجانب دولت صورت می گیرد، مردم بی وسیله اند وهمیشه بیداد دولت به وسیلهٔ قاضی ها توجیه می گردد.

مافکر می کنیم، به جای تشریفات واحترام کاذب به این قشر مهم جامعه به ایجاد سازمان قضایی نیاز داریم با سازمانی که ازاستقلال کامل برخوردار بوده وبدور از زوروفشار بتواند وظایف خود را به سر رساند.

به نظرما تفکیک قوای سه گانه درحال حاضر بسنده نیست، می باید هریک از این قوا استقلال خود را داشته باشند؛ تا در داوری زیرفشار هیچ جناحی قرار نگیرند. برای دستیابی بدین امر لازم است تاگزینش اعضای شورای دادگاه عالی کشور (ستره محکمه) ازصلاحیت رئیس جمهور بیرون گردد وبه جای آن شورای ملی ۹ تن قضات را برای باراول انتخاب نماید.

روابط خارجی

آرامش وثبات نسبی افغانستان با مداخلهٔ اتحاد شوروی وسپس تجاوز آن کشور برهم خورد. متاسفانه شکست ارتش سرخ وسرنگونی رژیم وابسته به مسکو درکابل صلح وآرامش را به افغانستان نیاورد، بلکه زمینه را برای تجاوز پاکستان هموار نمود.

همچنان ناشکست گروه طالبان پای ایالات متحدهٔ امریکا به افغانستان کشانده شد وحضور هزاران سرباز مربوط ناتو وامریکا را دربی داشت این تحول امکانات خود را در این راستا بسیج نماید، به ویژه نقش رسانه های خبری از جمله رادیو تلویزیون سراسری برجسته است و دقیقاً میزان موفقیت در راستای انکشاف معارف به هماهنگی کامل آن با مطبوعات گره خورده است.

امور دفاعی

ازنیازمندی های فوری کشور، ارتش ملی وپولیس ملی می باشد تا بتواند ازکشور دفاع نماید ونظم را تأمین وقانون راتطبیق نماید.

بنابر این شورای ملی فغانستان باید کمیت وکیفیت ارتش ونیروهای انتظامی را تعیین نماید. تجربه نشان داده، نسخه های آماده شده توسط کشورهای خارجی درافغانستان مثمرنبوده وحتی زیان هایی را متوجه افغانستان نموده است.

افغانستان به سان سایرکشورها به ارتش غیرحزبی نیازمند است؛ اما نه بی تعهد دربرابرکشور وارزش های دینی این سرزمین. آنچه اکنون مشاهده می شود تلاش بران است تا چهره های خنثی دربخش های مهم ارتش جابه جا گردند واز حضور شخصیت های متعهد ومجرب که درکورهٔ جهاد ومقاومت آب دیده شده اند، جلوگیری صورت گیرد.

مافکر می کنیم، دولت افغانستان مکلفیت دارد، تا درتأمین امنیت از نیروهای افغانستان بهره گیری نماید. این هدف می تواند با تنظیم نیروهای جهادی ازسراسرکشور به خوبی برآورده گردد. کم توجهی به این مسأله ازیک سو دولت افغانستان را به نیروهای ائتلاف بین المللی متکی نموده واعتبار دولت را میان مردم افغانستان وجهانیان جداً لطمه زده است، ازسوی دیگر مجاهدین را نسبت به دولت عقده مند ساخته است.

سیاست دولت دربرابر مجاهدین زشت و نادرست بوده است. دولت به جای تقدیر وتمجید از فداکاری های مجاهدین به تبلیغات ناروا علیه آنها مبادرت ورزیده وروش حذف مجاهدین را از دوایر ومؤسسات دولتی دنبال کرده است. این دراماتیک به گونه یی بوده است که خروج یکی ورود دیگری را باعث گردیده ودرعرصهٔ مناسبات خارجی برای افغانستان دریافت موقعیتی که خود توان اندیشیدن را در این باب داشته باشد، اولویت یافته است.

به سخن دیگر برای دولت افغانستان قبل از این که خطوط مناسبات خارجی خود را مشخص سازد، مهم تراین است که فرصت وتوان تصمیم گیری را در این زمینه ایجاد نماید؛ بنابر این قانون مند ساختن حضور نیروهای خارجی در این راستا مهمتر ازسایر مسائل است. تازمانی که این مسأله ازسوی شورای ملی افغانستان حل نگردد ومقرره یی میان افغانستان وامریکا به امضا نرسد، حاکمیت ملی درافغانستان شکل نمی گیرد.

موقعیت افغانستان ووضعیت داخلی ان حکم می کند که افغانستان درهیچ یک از رقابت های سیاسی ونظامی کشور های بزرگ منطقه وجهان شرکت نورزد وتنش را درمنطقه دامن نزند، از این رو تأمین روابط دوستانه با تمام کشورها وعبرجانبداری ازکشور معینی به تأمین صلح وثبات درافغانستان یاری می رساند.

ازده هاسال بدین سو میان افغانستان وپاکستان روی مسألهٔ مرزی (دیورند) اختلاف وجود دارد، برخی ازکشورهای منطقه به این اختلافات دامن زده اند وروابط میان دوکشور را تیره ساخته اند. پاکستان درکنار سایر عوامل از این مسأله نیز برای مداخله درامور افغانستان استفاده کرده است. ازانجایی که برای افغانستان ایجاد رابطهٔ حسنه با همسایگان ازاهمیت ویژه یی برخوردار است، ایجاب می نماید که شورای ملی افغانستان نیز در زودترین فرصت ممکن راهی برای پایان دادن به این معضله جستجو نماید. برای کشورمان که بعدازسالیان متمادی فرصت ان فراهم آمده تادرکنار جامعهٔ جهانی قرارگیرد، بهره گیری مناسب وقانون مند از توجه جامعهٔ جهانی بسیار ارزشمند است. دولت افغانستان باید ازاین فرصت با تمام توان درجهت تأمین صلح، امنیت وبازسازی استفاده نماید ونگذارد امکانات فراهم شده ازدست برود.

بااحترام
عبدالحفیظ منصور

مجاهد

وانان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد .

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما

حضرت محمد(ص) رهبر ما

قرآن قانون ما

جهاد راه ما

شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم سال سوم شمارهٔ بیستم چهارشنبه ٤ سنبله ١٣٨٣ ١٠ رجب المرجب ١٤٢٥ - ٢٥ August ٢٠٠٤

هشتادو پنجمین سالروز استرداد استقلال افغانستان گرامی داشته شد

گزارشگر: ملکیار

همایش پر شکوهی به همین مناسبت به روز چهار شنبه ۲۸ اسد در استدیوم ورزشی کابل برگزار گردید، حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان ، معاونان ریاست دولت، اعضای کابینه، شخصیت های جهادی، دپلوماتان خارجی مقیم کابل و هزاران تن از شهروندان کابل در آن حضور یافته بودند. این مراسم با آیاتی از قرائت قران کریم آغاز شد.

در این مراسم از مبارزات و قهرمانی های ملت افغانستان و کسانی که برای اعادهٔ استقلال این سرزمین مردانه رزمیدند و جان باختند به نیکی یاد گردید و حوزه های ثبت نام انتخابات نمایانگر ارادهٔ قاطع آن ها برای ایجاد یک کشور آرام و با ثبات می باشد. دولت و قوای ائتلاف تمام تدابیر لازم را برای تأمین امنیت انتخابات روی دست خواهند گرفت.

مارشال محمد قسیم فهیم معاون اول ریاست دولت و وزیر دفاع ملی نیز در سخنان خود . استقلال کشور را به همهٔ ملت تبریک گفت ودر رابطه به انتخابات گفت: در آستانهٔ انتخابات ضرورت تأمین امنیت، تحکیم وحدت ملی و در نظر گرفتن مصالح علیای کشور بیش از گذشته اهمیت دارد.



حضرت آن ها گرامی داشته شد

رئیس دولت در این جشن خطاب به مردم گفت: قیام مردم افغانستان به قیادت غازی امان الله خان و دوستان او آغاز شد وبالاخره آنان استقلال افغانستان را حاصل نمودند که این امر باعث تقویت نهضت های آزادی خواهان جهان شد و روحیهٔ آزادی خواهی را در منطقه نیرو بخشید و افغانستان را در قطار کشور های آزاد دنیا جا داد.

رئیس دولت گفت: پس از استقلال ، کشور عزیز مان یکبار دیگر مورد تجاوز بیگانگان قرار گرفت اما مردم این کشور با پایمردی در مقابل تجاوز گران به مقاومت پرداختند، و پیروز شدند رئیس دولت در قسمت دیگری از سخنان خود انتخابات آیندهٔ کشور را با اهمیت خواند و گفت: مشارکت وحضور گستردهٔ مردم در

وزیر دفاع با رد هر نوع پالیسی ناشی از سیاست گذاری هایی که می تواند بر پیکر افغانستان زیان وارد نماید گفت:

اصل یکدیگر پذیری و روش سیاسی سالم، اصولی است که همه دولت مردان و رهبران سیاسی باید از آن پیروی نمایند.

در ادامهٔ مراسم جشن استقلال، قطعات اردوی ملی و پلیس ملی ، قوای سرحدی و گروه هایی از اقوام مختلف کشور صحن استدیوم را عبور کردند و این مراسم با نوازش موسیقی ملی واجرای اتن خاتمه یافت.

تقاضای ملل متحد برای بازرسی از زندانهای نیروهای ائتلاف در افغانستان

آقای شریف بسیونی نمایندهٔ ویژهٔ دبیر کل سازمان ملل متحد در بارهٔ حقوق بشر در افغانستان که به غرض بررسی زندانهای نیروهای ائتلاف در افغانستان به ویژه زندانهای قندهار و بگرام دراین هفته وارد این کشور شده بود، از وضعیت زندانیان موجود در زندانهای قوای ائتلاف بین المللی ابراز نگرانی کرده وبه گونه یی جدی تقاضا کرده است که بایست این زندانها تحت بازرسی قرار گیرند. نامبرده گفته است که افغانستان یک دولت مستقل است و هیچ کسی حق ندارد، اتباع این کشور را بدون اجازه وتوافق حکومت مرکزی دستگیر وزندانی نماید.

اما نیروهای ائتلاف بین المللی تقاضای وی مبنی بر بازرسی از زندانهای این نیروها را با قاطعیت رد کرده وسخنگوی آنها گفته است که آقای بسیونی صلاحیت بازرسی این زندانها را ندارد، نیروهای مربوط به ائتلاف بین المللی هر کسی را که تا کنون دستگیر و بازداشت کرده اند، در توافق با آقای کرزی رئیس دولت مرکزی افغانستان بوده است.

بسیونی همچنان از دولت افغانستان خواسته است تا چهار صد زندانی پاکستانی را که از شبرغان به پلچرخی منتقل شده اند ، آزاد سازد.

در حاشیهٔ سفر رئیس دولت به پاکستان

طرحی برای قطع مداخلهٔ همسایگان

راوی

در مجلسی از سفر آقای کرزی به پاکستان سخن در میان بود . طبق معمول شکوه از مداخلات پاکستان بود و ناتوانی افغانستان. یکی از حاضران که درگذشته در اردوی افغانستان رتبهٔ ارشد نظامی داشت ابراز فضل نمو که این مداخلات هرگز به پایان نخواهد رسید مگر این که فغانستان از نظر نظامی دارای قدرتی برابر با پاکستان باشد. در دوران قبل از کودتای کمونیستان که افغانستان از نیروی نظامی منظم برخوردار بود، چنین مداخلاتی از خارج وجود نداشت. بنا براین افغانستان باید تلاش نماید تا به تکنولوژی اتومی دست یابد و دارای اسلحهٔ اتومی باشد. برای جلوگیری از این مداخلات ما باید به همان سلاحی مجهز باشیم که پاکستان به آن مسلح است. او در این میان طرحهایی هم ارائه نمود که چگونه از رقابت های دیگران می توان در جهت دسترسی به این هدف سود جست.

راه حل پیشنهادی این دوست در حقیقت راه حل نظامی و بسیار دور از دسترس بود. اما هرچه بود تراوش یک فکر نظامی بود و به عنوان یک نظر شخصی در آن جمع مطرح گردید.

نظر دیگر توسط یک استاد دانشگاه مطرح شد. او به این نظر بود که مداخله را بیگانگان مستقیما انجام نمی دهند بلکه این کار به وسیلهٔ افغانها که خود را به بیگانگان فروخته اند انجام می پذیرد. پس راه حل این است که مردم را باسواد سازیم و به آنها بفهمانیم که منافع ملی آنان در چیست. وقتی مردم ما از این راه به منافع ملی خود پی بردند، دیگر مداخله یی صورت نخواهد گرفت. زیرا بیگانگان نخواهند توانست مردم افغانستان را علیه خود شان به کار گیرند.

ص۳

آیا گروه ایدیما قربانی شده است؟

وحید مژده

محاکمهٔ سه شهروند امریکایی و چهار افغانی همدست آنان روز دوشنبه دوم سنبله در تالار ولایت کابل برای سومین بار دایر گردید. دراین جلسه نیز بار دیگر متهمان امریکایی تلاش نمودند تا وقت جلسه را با اظهارات بی ربط به اصل موضوع ضایع سازند.

آنچه در این جلسه بیشتر مورد توجه قرار گرفت، نمایش فیلم های ویدئویی از جریان عملیات مشترک این گروه با نیروهای آیساف و ملاقات آنان با محمد یونس قانونی وزیر پیشین معارف بود. تا قبل از این، نیروهای آیساف و مقامات دولت افغانستان هرگونه ارتباط با این گروه را رد کرده و فعالیت های آنان را خودسرانه و بی رابطه با مقامات مسؤول خوانده بودند. این اسناد برای رد آن ادعا ها ارائه گردید.

نکتهٔ جالب دیگر این بود که در دوسیهٔ متهمان عکسی از ایدیما با مارشال فهیم نیز دیده می شد. در گذشته نیز آنها ادعا کرده بودند که با چند مقام دولتی افغانستان رابطه داشته و از ملاقات با آنها فیلم در اختیار دارند اما وکیل مدافع آنها مدعی شد که این اسناد پس از دستگیری گروه به دست نیروهای امنیتی افغانستان به اف بی آی سپرده شده بود. اف بی آی آن فیلم ها را پاک کرده است. اگر این ادعای وکیل مدافع مذکور درست باشد این سؤال مطرح می شود که پس چرا جریان ملاقات آنان با قانونی را اف بی آی از نوار پاک نکرده است؟

قانونی یکی از کاندیدا های ریاست جمهوری است و در آن فیلم جریان ملاقات وی با ایدیما بعد از دستگیری چند نفر که ظاهرا قصد ترور قانونی را داشته اند ثبت شده بود. قانونی دراین نوار ویدئویی از ایدیما بخاطر این کار تشکر می کند. عملی که اینک غیر قانونی به شمار آمده و مسببان آن تحت محاکمه قرار دارند.

وکیل مدافع امریکایی خواستار آن گردید تا برای روشن شدن بیشتر موضوع باید نماینده یی از آیساف و شخص قانونی در جلسهٔ دادگاه حاضر شوند. به این ترتیب قاضی بختیاری که به این دوسیه رسیدگی می کند در موقعیت دشواری قرار گرفته است.

جریان دستگیری جاناتان ایدیما مشهور به جک از همان آغاز با ابهامات مواجه بود. آیدیما را می توان یکی از چندین نفری دانست که رؤیای جایزهٔ بزرگ دستگیری رهبران القاعده او را به افغانستان کشانده است. اما او پس از مدتها فعالیت و داشتن عملیات مشترک با قوای آیساف، در محلی نزدیک به منزل یکی از افراد بلند پایهٔ دولت کرزی که از آن به عنوان زندان خصوصی استفاده می کرد دستگیر شد. زمان این دستگیری هم بسیار عجیب است. در شرایطی که وضع زندانیان افغانستان در زندان های امریکا در بگرام وقندهار مورد بحث بود وقرار بود یک هیأت از سازمان جهانی حقوق بشر و دولت امریکا از این زندان ها دیدن و در مورد رفتار زندانبانان با زندانیان تحقیق نماید، ناگهان نیروهای امنیتی افغانستان به زندان شخصی ایدیما در کابل یورش ببرند و او و همکارانش را دستگیر و هشت زندانی را از چنگ آنان نجات دهند.

از آن وقت به بعد ماجرای زندانیان افغانستان در بگرام و قندهار و چگونگی برخورد با آنان تحت الشعاع ماجرای زندان شخصی ایدیما قرار گرفت. دیگر کسی از آن واقعه سخنی نگفت.

آیدیما با صراحت می گوید که چگونه ممکن است من به صورت خودسر به افغانستان آمده باشم و با هیچ کدام از مقاماتی چون پنتاگون، سی، آی، ای و یا اف، بی، ای ارتباط نداشته باشم ولی نیروهای آیساف با من عملیات مشترک انجام دهند و صدها سرباز و وسایط آنان در این گونه عملیات شرکت کند؟

ص۵